

# گرامر آسان زبان انگلیسی

**TahlilGaran**

## **Easy Grammar**

**Alireza Motamed**



# گرامر آسان زبان انگلیسی

TahlilGaran

# Easy Grammar

چاپ اول : تابستان ۱۴۰۱

نویسنده : علیرضا معتمد



|                         |  |
|-------------------------|--|
| سرشناسه                 | : معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸  |
| عنوان و نام پدیدآور     | : گرامر آسان زبان انگلیسی<br>TahlilGaran Easy Grammar  |
|                         | : نویسنده: علیرضا معتمد  |
| مشخصات نشر              | : تهران: تحلیلگران، ۱۴۰۱.  |
| مشخصات ظاهری            | : ۱۲۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.  |
| شابک                    | : ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۵۷۳-۱-۰  |
| وضعیت فهرست نویسی       | : فیپا   |
| یادداشت                 | : عنوان دیگر: گرامر آسان زبان انگلیسی تحلیلگران  |
| یادداشت                 | : کتابنامه.  |
| موضوع                   | : زبان انگلیسی -- دستور -- راهنمای آموزشی<br>English language -- Grammar -- Study and teaching |
| رده بندی کنگره          | : PE۱۱۳۰   |
| رده بندی دیویی          | : ۴۲۵  |
| شماره کتابشناسی ملی     | : ۸۹۲۳۸۱   |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | : فیپا   |

تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان به آفرین، خیابان  
 شقایق، پلاک ۸ - واحد ۱۷ تلفن: ۸۸۸۵۳۸۴۷  
 نشانی سایت اینترنت: [www.TahlilGaran.org](http://www.TahlilGaran.org)  
 پست الکترونیک: [TahlilGaranOnline@gmail.com](mailto:TahlilGaranOnline@gmail.com)

## انتشارات تحلیلگران

ناشر آموزش از راه دور زبان انگلیسی

نام کتاب: گرامر آسان زبان انگلیسی تحلیلگران

نویسنده: علیرضا معتمد

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۱

قطع رقعی: ۱۲۰ صفحه

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۵۷۳-۱-۰

بها: ۹۰۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه  
 برداری از آن پیگرد قانونی دارد.



## به نام آنکه جان را فکرت آموخت

دستور زبان انگلیسی، ابزار قدرتمندی است که می تواند مسیر یادگیری و افزایش مهارت‌های چهارگانه شامل مهارت‌های شنیداری، خواندن، نوشتن و مکالمه را هموارتر نماید. به بیان دیگر شما در هر سطح از زبان انگلیسی که باشید، به یادگیری و مرور همیشگی گرامر نیاز خواهید داشت. در طول سالیان تدریس اینجانب، همواره مشاهده کرده ام که یادگیری گرامر تا چه اندازه برای زبان آموزان سخت و دشوار بوده و عدم شناخت کافی با مباحث آن تا چه حد می تواند اعتماد به نفس و انگیزه زبان آموزان را از آنان سلب نماید.

در این کتاب سعی نموده ام تا با بررسی نکات مهم و کاربردی کتابهای معتبر و استاندارد آموزشی نظیر American English File, English Result, Touchstone و همچنین بهره گیری از کتاب Cambridge Grammar in Use به گردآوری و تالیف منبعی پردازم که کلیه مطالب مهم درسی را تا سطح قابل قبولی پوشش داده و همچنین با ذکر مثالهای متنوع، مطالب کاربردی را به ساده ترین شکل بیان نماید.

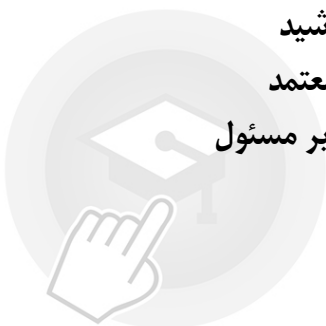
بی شک کتاب حاضر خالی از اشکال نخواهد بود. از کلیه همکاران ارجمند و زبان آموزان عزیز تقاضا دارم تا مثل همیشه دیدگاه های ارزنده خود را با من به نشانی پست الکترونیک [TahlilGaranOnline@gmail.com](mailto:TahlilGaranOnline@gmail.com) در میان بگذارند.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

**موفق باشید**

**علیرضا معتمد**

**موسس و مدیر مسئول**



## فهرست مطالب

|    |  |                  |
|----|--|------------------|
| ۷  | ✓ ترکیبهای فعل be در زمان حال ساده             | <b>بخش اول</b>   |
| ۹  | ✓ افعال اصلی در زمان حال ساده                  | (زمان حال)       |
| ۱۲ | ✓ زمان حال استمراری                            |                  |
| ۱۴ | ✓ زمان حال کامل                                |                  |
| ۱۸ | ✓ زمان حال کامل استمراری                       |                  |
| ۱۹ | ✓ جملات امری                                   |                  |
| ۲۰ | ✓ بیان پیشنهاد و درخواست                       |                  |
| ۲۲ | ✓ ترکیبهای فعل be در زمان گذشته ساده           | <b>بخش دوم</b>   |
| ۲۴ | ✓ افعال اصلی در زمان گذشته ساده                | (زمان گذشته)     |
| ۲۷ | ✓ زمان گذشته استمراری                          |                  |
| ۲۹ | ✓ زمان گذشته کامل                              |                  |
| ۳۱ | ✓ زمان گذشته کامل استمراری                     |                  |
| ۳۲ | ✓ زمان آینده ساده با be going to               | <b>بخش سوم</b>   |
| ۳۳ | ✓ زمان آینده ساده با will, shall               | (زمان آینده)     |
| ۳۵ | ✓ کاربرد جملات حال استمراری در زمان آینده ساده |                  |
| ۳۶ | ✓ زمان آینده استمراری                          |                  |
| ۳۷ | ✓ زمان آینده کامل                              |                  |
| ۳۸ | ✓ زمان آینده کامل استمراری                     |                  |
| ۳۹ | ✓ ضمایر فاعلی                                  | <b>بخش چهارم</b> |
| ۴۰ | ✓ صفات ملکی                                    | (ضمایر و...)     |
| ۴۱ | ✓ ضمایر ملکی                                   |                  |
| ۴۲ | ✓ ضمایر انعکاسی                                |                  |
| ۴۳ | ✓ ضمایر مفعولی                                 |                  |
| ۴۴ | ✓ مفعول غیر مستقیم در جملات انگلیسی            |                  |

|    |   |                        |
|----|---|------------------------|
| ۴۵ | ✓ ضمایر ربطی  |                        |
| ۴۷ | ✓ صفت   | بخش پنجم               |
| ۴۸ | ✓ کاربرد as ... as در بیان تشابه صفتها                | (صفت و ...)            |
| ۵۰ | ✓ صفت تفضیلی  |                        |
| ۵۲ | ✓ صفت عالی  |                        |
| ۵۴ | ✓ کاربرد too و enough                                 |                        |
| ۵۵ | ✓ کاربرد so و such                                    |                        |
| ۵۶ | ✓ قید   | بخش ششم                |
| ۵۹ | ✓ کاربرد as ... as در بیان تشابه قیدها                | (قید)                  |
| ۶۰ | ✓ افعال مودال   | بخش هفتم               |
| ۶۱ | ✓ کاربرد can در بیان توانستن و امکان داشتن            | (افعال مودال)          |
| ۶۳ | ✓ کاربرد must, should, have to, need to در بیان الزام |                        |
| ۶۵ | ✓ کاربرد must, might, can't در نتیجه گیری و قیاس      |                        |
| ۶۶ | ✓ زمان گذشته افعال مودال                              |                        |
| ۶۸ | ✓ جملات پرسشی yes/no                                  | بخش هشتم               |
| ۶۹ | ✓ جملات پرسشی با wh                                   | (جملات پرسشی)          |
| ۷۲ | ✓ جملات پرسشی غیر مستقیم                              |                        |
| ۷۴ | ✓ جملات پرسشی ضمیمه                                   |                        |
| ۷۶ | ✓ کاربرد مصدر   | بخش نهم                |
| ۷۷ | ✓ کاربرد اسم مصدر                                     | (مصدر و اسم مصدر)      |
| ۷۸ | ✓ افعال خاص   |                        |
| ۷۹ | ✓ بیان هدف و نتیجه                                    |                        |
| ۸۰ | ✓ اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش                   | بخش دهم                |
| ۸۲ | ✓ کاربرد much, many, a lot of                         | (اسامی غیر قابل شمارش) |
| ۸۳ | ✓ جملات شرطی نوع صفر                                  | بخش یازدهم             |
|    |   | (جملات شرطی)           |

|     |  |                             |
|-----|--|-----------------------------|
| ۸۴  | ✓ جملات شرطی نوع اول                   |                             |
| ۸۵  | ✓ جملات شرطی نوع دوم                   |                             |
| ۸۶  | ✓ جملات شرطی نوع سوم                   |                             |
| ۸۷  | ✓ کاربرد wish                          | <b>بخش دوازدهم</b>          |
| ۸۸  | ✓ کاربرد used to                       | (کاربرد wish و ...)         |
| ۸۹  | ✓ کاربرد would                         |                             |
| ۹۰  | ✓ بیان مالکیت                          | <b>بخش سیزدهم</b>           |
| ۹۱  | ✓ حرف تعریف نامعین                     | (مالکیت، حرف تعریف و ...)   |
| ۹۲  | ✓ حرف تعریف معین                       |                             |
| ۹۳  | ✓ حروف اضافه زمان                      |                             |
| ۹۴  | ✓ حروف اضافه مکان                      |                             |
| ۹۵  | ✓ کاربرد too, so, either, neither, nor |                             |
| ۹۶  | ✓ جملات معلوم و مجهول                  | <b>بخش چهاردهم</b>          |
| ۹۸  | ✓ جملات سببی                           | (جملات مجهول و ...)         |
| ۱۰۰ | ✓ نقل قول مستقیم                       |                             |
| ۱۰۱ | ✓ نقل قول غیر مستقیم                   |                             |
| ۱۰۳ | ✓ افعال دو جزئی                        |                             |
| ۱۰۵ | ✓ کاربرد clause ها                     | <b>بخش پانزدهم</b>          |
| ۱۰۶ | ✓ جمله وارده اسمی                      | (جمله وارده و عبارت)        |
| ۱۰۷ | ✓ جمله وارده موصولی                    |                             |
| ۱۰۹ | ✓ جمله وارده قیدی                      |                             |
| ۱۱۱ | ✓ وجه وصفی فعل                         |                             |
| ۱۱۵ | ✓ کاربرد phrase ها                     |                             |
| ۱۱۷ |  | <b>فهرست افعال بی قاعده</b> |
| ۱۲۰ |  | <b>فهرست منابع و مراجع</b>  |

## ❏ ترکیبهای فعل be در زمان حال ساده:

فعل **be** یکی از پرکاربردترین افعال در زبان انگلیسی به شمار می رود. صرف حالت‌های مختلف این فعل در زمان حال ساده به صورت *am/is/are* (به معنی هستن و بودن) می باشد. مثال:

I **am** a teacher.  
 You **are** students.  
 He **is** Ali.  
 She **is** Sarah.  
 It **is** a robot.  
 We **are** in different classes.  
 They **are** in the same class.

## ❖ ترکیبهای سوالی be در زمان حال ساده:

جهت بیان جملات پرسشی با فعل **be** در زمان حال ساده کافیت جای فعل **be** و فاعل را با هم عوض نماییم. (در این حالت معمولاً *I* به *you* و *you* به *I/we* تبدیل می شود.) مثال:

**Are** you a teacher?  
**Are** we students?  
**Is** he Ali?  
**Is** she Sarah?  
**Is** it a robot?  
**Are** you in different classes?  
**Are** they in the same class?





## ❖ ترکیبهای منفی be در زمان حال ساده:

برای ساختن جملات منفی با فعل be در زمان حال ساده کافست واژه not را به فعل be اضافه نماییم. مثال:

**I am not** a teacher.

**You are not** students.

**He is not** Ali.

**She is not** Sarah.

**It is not** a robot.

**We are not** in different classes.

**They are not** in the same class.

## ❖ پاسخ کوتاه به جملات پرسشی با فعل be:

در پاسخ کوتاه به جملات پرسشی با فعل be در زمان حال ساده می توان از ترکیبهای زیر استفاده نمود:

**Are you** Ali?

Yes, I **am**.

No, I **am not**.

**Are we** in the same class?

Yes, we **are**.

No, we **are not**.

توجه داشته باشید که بجای افعال be (am/is/are) می توان از مخفف آن (I'm/'s/'re) نیز استفاده نمود:

**Are you** Ali?

No, I'**m not**.

## ❖ افعال اصلی در زمان حال ساده:

در زبان انگلیسی برای بیان حقایق و یا امور روزمره و روتین از زمان حال ساده استفاده می شود. مثلا جمله (من انگلیسی می خوانم.) به معنی خواندن زبان انگلیسی به صورت روزمره و روتین می باشد و یا جمله (در فصل تابستان هوا گرم است.) به مفهوم بیان حقایق در خصوص فصلها است.

ساختار جملات زمان حال ساده به صورت زیر می باشد:

(مفعول یا سایر ترکیبهای مکمل) + فعل + فاعل

به مثال زیر توجه نمایید:

**I Speak English.**

**You Speak English.**

I, You فاعل جملات و **Speak** فعل و **English** مفعول می باشد.

## ❖ سوم شخص مفرد در زمان حال ساده:

همانطور که می دانید، افعال سوم شخص مفرد در زمان حال ساده با اضافه شدن S (و یا es) به انتهای آنها صرف می شوند. مانند **She works** (او کار می کند)

**توجه:** زمانی که انتهای افعال سوم شخص مفرد به s, x, o, ch, sh ختم شود، به انتهای آن es اضافه می گردد. مثال:

wash ► washes

teach ► teaches

dress ► dresses

fix ► fixes

**توجه:** زمانی که انتهای افعال سوم شخص مفرد به y ختم شود، y حذف گشته و بجای آن ies به انتهای فعل اضافه می شود. مثال:

cry ► cries

try ► tries

study ► studies

worry ► worries

**توجه:** اگر انتهای افعال سوم شخص مفرد به ay, oy, uy ختم شود، هنگام اضافه شدن S، بی تغییر می ماند. مثال:

stay ► stays

buy ► buys

enjoy ► enjoys

### ❖ ترکیبهای سوالی زمان حال ساده:

جهت بیان جملات پرسشی در زمان حال ساده کافست از فعل کمکی Do و Does (برای سوم شخص مفرد) در ابتدای جمله استفاده نماییم. توجه نمایید که با اضافه نمودن Does به جملات سوم شخص مفرد، S (و یا es) از انتهای فعل اصلی حذف می گردد. مثال:

I speak English.

► **Do I speak English?**

He speaks English.

► **Does he speak English?**

### ❖ ترکیبهای منفی زمان حال ساده:

برای ساختن جملات منفی در زمان حال ساده کافست واژه do not را مابین فاعل و فعل اصلی اضافه نماییم. توجه داشته باشید که در جملات سوم شخص مفرد از does not استفاده می شود. مثال:

I speak English.

I **do not** speak English.

He speaks English.

He **does not** speak English.

## ❖ پاسخ کوتاه به جملات پرسشی:

در پاسخ کوتاه به جملات پرسشی زمان حال ساده می توان از ترکیبهای زیر استفاده نمود:

**Do you speak English?**

Yes, I **do**.

**Does she speak English?**

Yes, she **does**.

**Do you speak English?**

No, I **do not**.

**Does she speak English?**

No, she **does not**.

توجه داشته باشید که به جای **do not** می توان از مخفف آن **don't** و به جای **does not** از مخفف آن **doesn't** استفاده نمود:

**Do you speak English?**

No, I **don't**.

**Does she speak English?**

No, she **doesn't**.



## ⚡ زمان حال استمراری:

فعل حال استمراری رویدادی است که در زمان حاضر در حال وقوع بوده و همچنین تکرار پذیر باشد. مثال:

**I am smoking now.**

من هم اکنون دارم سیگار می کشم.

جمله فوق استمرار سیگار کشیدن در حال حاضر را نشان می دهد. در حالیکه جمله **I smoke a cigarette** به مفهوم عادت سیگار کشیدن است. (من عموماً سیگار می کشم.)

ساختار جملات حال استمراری به صورت زیر می باشد:

**ing + فعل اصلی + am, is, are + فاعل**

مثال:

**I am wearing jeans.**

**You are walking to work.**

**It is working now.**

**توجه:** برای ساختن ترکیبهای منفی زمان حال استمراری، کافست پس از افعال am, is, are از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن am, is, are به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال:

**I am not wearing jeans.**

**Are you walking to work?**

**Yes, I am.**

**No, I am not.**

**توجه:** اگر انتهای فعل به e ختم شود، هنگام اضافه شدن -ing به آن، e حذف می شود. مانند:

write ► writing

**توجه:** اگر انتهای فعل به حرف بی صدا ختم شود و ماقبل آن حرف صدادار قرار داشته باشد، هنگام اضافه شدن -ing به فعل، حرف بی صدا تکرار می شود. مانند:

run ► running

### ❖ افعال حرکتی و غیر حرکتی:

افعال حرکتی یا action verbs افعالی هستند که صورت گرفتن عملی را نشان می دهند. مانند: دویدن، راه رفتن، نوشتن و ...

افعال غیر حرکتی (افعال حالتی) یا state verbs افعالی هستند که برای نشان دادن حالت به کار می روند. مانند متنفر بودن، دوست داشتن، ترجیح دادن و ...

مهمترین افعال غیر حرکتی عبارتند از:

**Thinking & opinions:** believe, feel, hate, know, like, love, prefer, think, understand, want

**Sense:** appear, feel, look, seem, smell, sound, taste

**توجه:** افعال غیر حرکتی معمولاً به صورت استمراری (با ing) به کار برده نمی شوند، مگر اینکه بیانگر عمل انجام فعل باشند. مثال:

I feel cold.

I see her.

David likes art and music.

Phil and Julie have three children.

## ➤ زمان حال کامل:

به عبارت (علی به مدرسه رفته است) توجه نمایید. این جمله به مفهوم رفتن علی در گذشته می باشد و در حال حاضر نیز اثر رفتن علی مشخص بوده و تاکنون ادامه دارد. به این زمان حال کامل یا ماضی نقلی گفته می شود. به عبارت دیگر حال کامل زمانی است که در گذشته شروع شده و نتیجه و اثر آن در حال حاضر باقی مانده باشد. ساختار جملات حال کامل به صورت زیر می باشد:

**قسمت سوم فعل + have / has + فاعل**

مثال:

He learns English every day.

او هر روز انگلیسی می آموزد. (حال ساده)

He **has learned** English for two years.

او برای مدت دو سال انگلیسی خوانده است. (حال کامل)

**توجه:** برای ساختن ترکیبهای منفی زمان حال کامل، کافست پس از افعال have/has از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن have/has به ابتدای جمله ساخته می شوند.

**توجه:** در انتهای جملات حال کامل معمولا از for به معنی (برای مدت ...) یا since به معنی (از ... تا کنون) به همراه قید زمان استفاده می شود.

مثال:

She has lived in Iran **since** 1380.

او از سال ۱۳۸۰ تا کنون در ایران زندگی کرده است.

She has lived in Iran **for** two years.

او برای مدت دو سال در ایران زندگی کرده است.

**توجه:** کاربرد دیگر زمان حال کامل در جملاتی است که از گذشته نامعلوم شروع شده و اثر آن تا کنون باقی مانده باشد. مثال:

I haven't gone there.

من به آنجا نرفته ام.

### ❖ قسمت سوم فعل (اسم مفعول):

اسم مفعول یا قسمت سوم افعال با قاعده با افزودن **-ed** به انتهای آنها (مانند زمان گذشته ساده) بدست می آید. درخصوص افعال بی قاعده قسمت سوم آنها از قاعده خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود.

قسمت سوم برخی از افعال بی قاعده به صورت زیر است:

|                    |              |                 |
|--------------------|--------------|-----------------|
| have ► had         | go ► gone    | see ► seen      |
| begin ► begun      | sing ► sung  | do ► done       |
| take ► taken       | draw ► drawn | choose ► chosen |
| forget ► forgotten |              |                 |

### ❖ کاربرد **for, since, yet, just**:

همانطور که در مثالهای قبل دیدیم، معمولاً از **for** به معنی (برای مدت ...) یا **since** به معنی (از ... تا کنون) به همراه قید زمان، در انتهای جملات حال کامل استفاده می شود. مثال:

I've worked here **for** six years.

We've lived in this house **since** 2010.



همچنین **yet** به معنی (هنوز) در جملات منفی یا پرسشی و **just** به معنی (چند لحظه قبل) در جملات مثبت و **already** به معنی (پیش از این) در جملات مثبت به کار می رود. مثال:

Have you had breakfast **yet**?  
No, not **yet**.

I haven't had a shower **yet**.

I've **just** made some coffee.

They've **just** got up.

They've **already** gone to work.

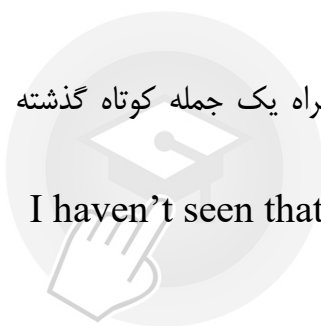
**توجه:** همانطور که دیده می شود، **just** و **already** مابین فعل کمکی **have/has** و اسم مفعول به کار می روند. همچنین **yet** معمولا در انتهای جملات حال کامل نوشته می شود.

**توجه:** گاهی از **before** به معنی (قبلا) در انتهای جملات حال کامل استفاده می شود. مثال:

I haven't seen her **before**.

**توجه:** در جملات حال کامل می توان از **since** به همراه یک جمله کوتاه گذشته ساده نیز استفاده نمود. مثال:

I haven't seen that book **since** you came here.



**توجه:** گاهی کلمات **ever** و **never** در زمان حال کامل مابین فعل کمکی **have/has** و اسم مفعول به کار می روند. مثال:

Have you **ever** seen Isfahan?  
No, I have **never** seen it.

### ❖ تفاوت زمان حال کامل و گذشته ساده:

به عنوان یک قاعده عمومی، معمولاً موضوع اصلی با مضمون کلی در زمان حال کامل بیان می شود (در مثال زیر: **Jim Cooper has died of cancer**) و جزئیات مربوط به آن رویداد به زبان گذشته ساده ذکر می شود.  
مثال:

Jim Cooper **has died** of cancer. He **was** 68 and **lived** in Texas.

**توجه:** در بیان جملاتی که با عبارت های **today, this morning, this week** و ... همراه هستند، اگر از زمان گذشته ساده استفاده کنیم، به مفهوم آن است که روز (یا هفته) به پایان نزدیک شده است. اما اگر از زمان حال کامل استفاده کنیم، منظور این است که همچنان در آن زمان به سر می بریم.  
مثال:

I didn't watch the news **this week**.

(هفته به پایان نزدیک شده است.)

I haven't watched the news **this week**.

(هنوز هفته به پایان نرسیده است.)

## 🔑 زمان حال کامل استمراری:

زمان حال کامل استمراری، بیانگر عملی است که در زمان به خصوصی از گذشته آغاز شده و تا کنون به صورت مستمر ادامه داشته باشد. ساختار زمان حال کامل استمراری به صورت زیر می باشد:

**قید زمان + for + ing + فعل + have/has been + فاعل**

مثال:

**I have been learning** English for a long time.

برای مدت طولانی به آموختن زبان انگلیسی پرداخته ام و تا کنون نیز ادامه دارد.

**توجه:** برای ساختن ترکیبهای منفی زمان حال کامل استمراری، کافیت پس از افعال have/has از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن have/has به ابتدای جمله ساخته می شوند.

مثال:

**I haven't been learning** English for a long time.

**Has she been learning** English for a long time?



## 🔑 جملات امری:

جملات امری، حالت ساده فعل است که بدون ذکر فاعل در ابتدای جمله به کار برده می شوند. جملات امری معمولا همراه با عبارت please ذکر می شوند.  
مثال:

**Open the door, please.**

لطفا در را باز کنید.

**Turn on the TV.**

تلویزیون را روشن کنید.



## ❖ بیان پیشنهاد و درخواست:

Let's به معنی بیایید و How about به معنی چطور برای بیان پیشنهاد در جملات زبان انگلیسی به کار می رود.

توجه کنید که Let's ماقبل حالت ساده فعل در جملات قرار می گیرد. مثال:

**Let's go to the cinema.**

بیایید به سینما برویم.

How about نیز ماقبل حالت -ing دار فعل و یا ماقبل اسم برای بیان پیشنهاد به کار می رود. مثال:

**How about a cup of tea?**

یک فنجان چای چطور است؟

**How about going to the cinema?**

چطور است که به سینما برویم؟

**توجه:** از عبارت would like برای بیان تمایل، پیشنهاد یا درخواست انجام کار به صورت زیر استفاده می شود:

**Would you like a glass of water?**

آیا یک لیوان آب میل دارید؟

**I would like a cup of tea.**

یک فنجان چای میل دارم.

**I would like to go to Italy.**

مایلم که به ایتالیا بروم.

همانطور که می بینید، عبارتی که پس از **would like** قرار می گیرد، به صورت اسم و یا مصدر با **to** ذکر می شود.

**توجه:** 'd صورت مخفف **would like** می باشد. مثال:

**I'd like to go to Italy.**

**توجه:** از ترکیب **like** به همراه حالت **-ing** دار فعل برای بیان اموری که در حال حاضر برای گوینده دلپذیر است، استفاده می شود. مثال:

**I like swimming.**

**They don't like swimming.**

**Does he like swimming?**

**توجه:** عبارت **would like** به همراه مصدر با **to** برای برای اموری که در آینده نزدیک قصد انجام آن باشد، نیز به کار می رود. مثال:

**I would like to play tennis.**

**They wouldn't like to play tennis.**

**Would you like to play tennis?**



## ❖ ترکیبهای فعل be در زمان گذشته ساده:

فعل **be** (به معنی بودن) به صورت *was/ were* در زمان گذشته ساده به کار برده می شود. مثال:

**I was** a teacher.

**He was** very young.

**She was** strict.

**It was** awful.

**You were** nervous.

**We were** in different classes.

**They were** in the same class.

## ❖ ترکیبهای سوالی be در زمان گذشته ساده:

جهت بیان جملات پرسشی با فعل **be** در زمان گذشته ساده کافیت جای فعل **be** و فاعل را با هم عوض نماییم. (در این حالت معمولاً *I* به *you* و *you* به *I/we* تبدیل می شود).

مثال:

**Were you** a teacher?

**Was he** very young?

**Was she** strict?

**Was it** awful?

**Were we** nervous?

**Were you** in different classes?

**Were they** in the same class?

### ❖ ترکیبهای منفی be در زمان گذشته ساده:

برای ساختن جملات منفی با فعل be در زمان گذشته ساده کافیسٹ واژه not (یا مخفف آن n't) را به فعل be اضافه نماییم.

مثال:

**I wasn't** a teacher.

**He wasn't** very young.

**She was not** strict.

**It was not** awful.

**You weren't** nervous.

**We weren't** in different classes.

**They were not** in the same class.

### ❖ پاسخ کوتاه به جملات پرسشی با فعل be:

در پاسخ کوتاه به جملات پرسشی با فعل be در زمان گذشته ساده می توان از ترکیبهای زیر استفاده نمود:

**Were** they nice?

**Yes, they were.**

**No, they weren't.**

**Was** it fun?

**Yes, it was.**

**No, it wasn't.**





## ➤ افعال اصلی در زمان گذشته ساده:

زمان گذشته ساده برای بیان اموری استفاده می شود که در گذشته اتفاق افتاده و خاتمه پیدا کرده باشد. مثال:

**I worked yesterday.**

من دیروز کار کردم.

ساختار زمان گذشته ساده به صورت زیر می باشد:

**گذشته فعل اصلی + فاعل**

**توجه:** افعال با قاعده با افزودن -ed به انتهای آنها به فعل گذشته ساده تبدیل می گردند. مانند:

rain ► rained

work ► worked

**توجه:** زمانیکه انتهای فعل به e ختم شده باشد، برای ساختن زمان گذشته فعل، افزودن -d به انتهای آن کافی می باشد. مانند:

exercise ► exercised

**توجه:** زمانیکه انتهای فعل به y ختم شده باشد و قبل از y حرف بی صدا وجود داشته باشد، y حذف شده و بجای آن -ied قرار می گیرد. مانند:

study ► studied

**توجه:** زمانیکه انتهای فعل به y ختم شده باشد و قبل از y حرف صدا دار (a, e, i, o, u) وجود داشته باشد، گذشته فعل به صورت عادی -yed- نوشته می شود. مانند:

play ► played

**توجه:** اگر انتهای فعل به حروف صدا دار (a, e, i, o, u) ختم نشود ولی ماقبل آن حرف صدا دار باشد، هنگام اضافه شدن -ed حرف آخر تکرار می شود. مانند:  
stop ► stopped

### ❖ ترکیبهای مختلف جملات زمان گذشته ساده:

همانطور که گفته شد ساختار جملات گذشته ساده به صورت **فاعل + گذشته فعل اصلی** می باشد. جملات پرسشی گذشته ساده با افزودن **did** به ابتدای جمله و تبدیل فعل اصلی به وضعیت ساده آن ساخته می شوند. مانند:

**Did you watch TV last night?**

جملات منفی گذشته ساده نیز با افزودن **didn't** ماقبل فعل اصلی و تبدیل فعل اصلی به وضعیت ساده آن ساخته می شوند. مانند:

**I didn't watch TV last night.**

**توجه:** به افعالی مانند **did** فعل کمکی گفته می شود. این افعال جهت ساختن زمانهای مختلف به کار رفته و به تنهایی معنای خاصی ندارند.

### ❖ افعال بی قاعده در زمان گذشته ساده:

افعال بی قاعده در زمان گذشته ساده با اضافه نمودن -ed به انتهای آنها ساخته نشده و شکل فعل عوض می شود. مثال:

go ► went:  
**I went to school.**

من به مدرسه رفتم.

فهرست مهمترین افعال بی قاعده به همراه گذشته آنها عبارتند از:

do ► did انجام دادن

go ► went رفتن

eat ► ate خوردن

get ► got به دست آوردن

ride ► rode سوار شدن

see ► saw دیدن

stand ► stood ایستادن

take ► took گرفتن – بردن

have ► had داشتن

come ► came آمدن

fly ► flew پرواز کردن

give ► gave دادن

say ► said گفتن

sit ► sat نشستن

leave ► left ترک کردن

drive ► drove رانندگی کردن



## ⚡ زمان گذشته استمراری:

زمان گذشته استمراری برای اموری استفاده می شود که در زمان مشخصی از گذشته رخ داده و در همان زمان استمرار داشته باشد. مثال:

**I was listening to the radio yesterday.**

من دیروز داشتم به رادیو گوش می کردم.

جمله فوق استمرار گوش دادن به رادیو را در زمان گذشته نشان می دهد. ساختار جملات گذشته استمراری به صورت زیر می باشد:

**ing + فعل اصلی + was/were + فاعل**

مثال:

**I was watching TV.**

من داشتم به تلویزیون نگاه می کردم.

**توجه:** برای ساختن ترکیبهای منفی زمان گذشته استمراری، کافیت پس از افعال was/were از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن was/were به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال:

**Was he sitting in the garden?**

**No, he wasn't.**

**توجه:** برای بیان اموری که در زمان گذشته استمرار داشته و با عمل دیگری برخورد می کند، زمان گذشته استمراری همراه با یک جمله گذشته ساده (که معمولا با عبارت when همراه است) نوشته می شود. مثال:

**He was watching TV when we arrived.**

زمانیکه ما رسیدیم، او داشت تلویزیون نگاه می کرد.

## ❖ کاربرد when و while و as در زمان گذشته استمراری:

کلمات when و while و as به معنی (هنگامیکه) در جملات گذشته استمراری هنگام اتصال به جملات گذشته ساده به کار می روند.

مثال:

**While** you were driving, I saw you.

هنگامیکه داشتید رانندگی می کردید، من شما را دیدم.

I was watching TV **as** he came.

هنگامیکه او آمد، داشتم تلویزیون نگاه می کردم.

**توجه:** هنگامیکه when, while, as در وسط جمله به کار رود، علامت (,) حذف می شود، در غیر اینصورت از (,) مابین جمله گذشته ساده و گذشته استمراری استفاده می کنیم.

مثال:

I saw you **while** you were driving.

**While** you were driving, I saw you.

هنگامیکه داشتید رانندگی می کردید، من شما را دیدم.



## ⚡ زمان گذشته کامل:

زمان گذشته کامل یا ماضی بعید، بیانگر عملی است که در گذشته دور (قبل از عمل دیگری در گذشته) کامل شده باشد. معمولاً این زمان همراه با یک جمله کوتاه گذشته ساده همراه است. ساختار زمان گذشته کامل به صورت زیر می باشد:

(جمله کوتاه گذشته ساده + کلمه ربط) + اسم مفعول + **had** + فاعل

مثال:

**I had arrived** when you called.

وقتی تماس گرفتی، رسیده بودم.

**توجه:** در زمان گذشته کامل، **had** فعلی کمکی می باشد. لذا برای سوالی نمودن جمله می بایست **had** را به ابتدای جمله آورده و همچنین در ترکیبهای منفی، **not** را به **had** اضافه نماییم. مثال:

**I hadn't** seen the movie when it came out on DVD.

من فیلم را ندیده بودم زمانیکه روی دی وی دی منتشر شد.

**Had** the film finished when you went there?

آیا زمانیکه به آنجا رسیدی، فیلم تمام شده بود؟

**توجه:** قیدهای زمان زیر معمولاً در قسمت گذشته ساده به کار می روند:

when (هنگامیکه), before (قبل از اینکه), by (تا)

مثال:

**By** 2001, she had already met her husband.

I had already seen the movie **when** it came out on DVD.

I had learned to speak Greek **before** I graduated.

**توجه:** قیدهای زمان زیر معمولا در قسمت گذشته کامل به کار می روند:  
 (به محض اینکه) as soon as , ( بعد از اینکه) after

مثال:

I became a good driver **after** I had finished my work.

I became a good driver **as soon as** I had graduated.

**توجه:** کلمه already به معنی (قبلا) معمولا پس از had و قبل از اسم مفعول به کار می رود. مثال:

I hadn't **already** seen them.

**توجه:** گاهی در مکالمه های غیر رسمی بجای زمان گذشته کامل، از گذشته ساده نیز استفاده می شود. مثال:

Before I graduated, I learned to speak Chinese.



## ⬅ زمان گذشته کامل استمراری:

زمان گذشته کامل استمراری، بیانگر عملی است که در زمان گذشته آغاز شده و تا زمان به خصوصی از گذشته به صورت مستمر ادامه داشته باشد. ساختار زمان گذشته کامل استمراری به صورت زیر می باشد:

**گذشته ساده + before/when + ing + فعل + had been + فاعل**

مثال:

**He had been travelling** around England when I got a call from home.

زمانیکه تماسی از منزل داشتم، او در حال مسافرت به دور انگلستان بود.

**I had been Watching** TV when you came.

زمانیکه آمدید، در حال تماشای تلویزیون بودم.





## ⬅ زمان آینده ساده با **be going to**:

از ترکیبات **be going to** می توان جهت بیان **تصمیم انجام فعل** در زمان آینده ساده استفاده نمود. مثال:

**I am going to lose weight.**

قصد دارم تا وزن کم کنم.

**He is going to learn Japanese.**

او قصد دارد تا زبان ژاپنی بیاموزد.

به ترکیبهای سوالی و منفی زیر توجه نمایید:

**Are you going to join a gym?**

**No, I'm not.**

**Yes, I am.**

**توجه:** از **be going to** می توان برای **پیش بینی آینده** بر اساس شواهد و وقایع جاری نیز استفاده نمود. مثال:

**There's going to be a storm.**

نزدیک است که طوفان شود.

**It is going to fall.**

نزدیک است که بیفتد.



## ⚡ زمان آینده ساده با **will, shall**:

از **will** می توان برای قول دادن انجام کار یا بیان پیشنهاد در زمان حال استفاده نمود. مثال:

We **will** send you a postcard.

ما قول می دهیم که برای شما یک کارت پستال ارسال کنیم.

I'll open the door for you.

چطور است که درب را برایتان باز نمایم.

**توجه:** از **will** می توان برای بیان حقایق درخصوص آینده و یا پیش بینی آینده براساس عقاید یا تجربیات شخصی نیز استفاده نمود.  
مثال:

I'll be 43 in May.

در ماه می ۴۳ ساله خواهم شد.

It'll be expensive to travel around Europe.

مسافرت دور اروپا، گران خواهد بود.

I think we'll take some time off from work.

به نظرم چند روزی را مرخصی خواهم گرفت.

**توجه:** همچنین مواردی که براساس متن جاری مکالمه، بصورت یکدفعه تصمیم به انجام آن گرفته می شود، از موارد کاربرد **will** به شمار می آیند. (درصورتیکه **be going to** برای مواردی استفاده می شود که قبلاً برنامه ریزی شده باشند).

مثال:

**I'll just stop by my apartment to get changed and then I'll come right over to meet you.**

(الان تصمیم گرفتم که)

برای عوض کردن لباس، سری به آپارتمانم می زنم و بعد برای دیدن شما خواهم آمد.

**توجه: shall** نیز مانند **will** در جملات پرسشی اول شخص مفرد و جمع (I و we)

به کار می رود.

مثال:

**Shall I lend you some money?**

چطور است که مقداری پول به شما قرض دهم؟



## 🔗 کاربرد جملات حال استمراری در زمان آینده ساده:

از جملات حال استمراری نیز می توان جهت برنامه ریزی انجام فعل در زمان آینده ساده استفاده نمود.  
مثال:

**I am working** tomorrow.

فردا کار خواهیم کرد.

**You are taking** a day off next week.

هفته آینده یک روز مرخصی خواهی گرفت.

**He is leaving** tonight.

او امشب اینجا را ترک می کند.

**We are meeting** him for lunch.

او را برای شام ملاقات خواهیم کرد.

**They are going** home after the lesson.

بعد از درس، به خانه خواهند رفت.

**Are you going** home after the lesson?

آیا بعد از درس، به خانه خواهید رفت؟



## ⬅ زمان آینده استمراری:

زمان آینده استمراری، بیانگر عملی است که در زمان آینده به صورت استمرار درحال انجام باشد. ساختار زمان آینده استمراری به صورت زیر می باشد:

**ing + فعل + will be + فاعل**

مثال:

**This time tomorrow I will be lying** on the beach.

فردا این موقع، درحال دراز کشیدن در ساحل خواهیم بود.

**I will be working** in health care.

در بخش مراقبت های پزشکی مشغول به کار خواهیم بود.

**I won't be working** in this job.

در این شغل، دیگر مشغول به کار نخواهم بود.

**You will be flying** to Australia soon.

به زودی درحال پرواز به استرالیا خواهید بود.



## ⚡ زمان آینده کامل:

زمان آینده کامل، بیانگر عملی است که در زمان به خصوصی آغاز گشته و در زمان مشخصی از آینده کامل می شود. به عبارت دیگر در زمان آینده کامل، فعل قبل از کار دیگری که در آینده انجام می شود، تمام شده فرض می گردد.

ساختار زمان آینده کامل به صورت زیر می باشد:

قید زمان + **by/till** + اسم مفعول + **will have** + فاعل

مثال:

**I will have finished** work by six o'clock.

من تا ساعت شش، کار را تمام خواهم کرد.

**توجه:** همانطور که می بینید، جملات زمان آینده کامل معمولاً به کلماتی از قبیل **by**, **till** به همراه قید زمان ختم می شوند.

مثال:

**I will have retired by** the year 2020.

تا سال ۲۰۲۰ بازنشسته خواهم شد.

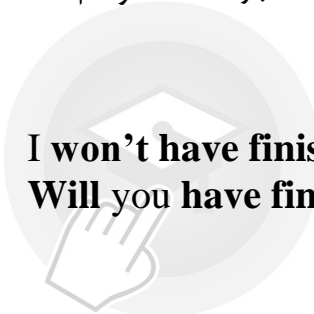
**I won't have retired till** the year 2020.

تا سال ۲۰۲۰ بازنشسته نخواهم شد.

به ترکیبهای پرسشی و منفی زمان حال کامل توجه نمایید:

**I won't have finished** work by six o'clock.

**Will you have finished** work by six o'clock?



## ⬅ زمان آینده کامل استمراری:

زمان آینده کامل استمراری، بیانگر عملی است که در زمان بخصوصی آغاز گشته و در زمان مشخصی از آینده کامل شده و مدتی نیز ادامه داشته است. ساختار زمان آینده کامل استمراری به صورت زیر می باشد:

**ing + فعل + will have been + فاعل**

مثال:

In November, I **will have been working** at this company for three years.

در نوامبر، سه سال خواهد شد که من دارم در این شرکت کار می کنم.

At five o'clock, I **will have been waiting** for thirty minutes.

در ساعت ۵، سی دقیقه خواهد شد که من منتظر ماندم.

When I turn thirty, I **will have been playing** piano for twenty-one years.

وقتی ۳۰ ساله شوم، بیست و یک سال خواهد شد که من پیانو می نوازم.



## ➡ ضمائر فاعلی:

ضمیر فاعلی، کلمه ای است که بجای فاعل می نشیند تا از تکرار آن در جمله جلوگیری نماید. ضمائر فاعلی عبارتند از:

|           |            |             |            |           |
|-----------|------------|-------------|------------|-----------|
| <b>I</b>  | <b>you</b> | <b>he</b>   | <b>she</b> | <b>it</b> |
| <b>we</b> | <b>you</b> | <b>they</b> |            |           |

مثال:

**I** am from Iran.

من اهل ایران هستم.

**You** are from France.

شما اهل فرانسه هستید.

**He** is from Spain.

او(مرد) اهل اسپانیا است.

**She** is from China.

او(زن) اهل چین است.

**It** is from London.

این(شیء) اهل(برای) لندن است.

**We** are from Paris.

ما اهل پاریس هستیم.

**They** are from Mexico.

آنها اهل مکزیک هستند.



## ⬅ صفات ملکی:

صفت ملکی، کلمه ای است که مالکیت اسم را بیان نموده و در عین حال به صورت صفت قبل از اسم قرار می گیرد.  
صفات ملکی عبارتند از:

|            |             |              |            |            |
|------------|-------------|--------------|------------|------------|
| <b>my</b>  | <b>your</b> | <b>his</b>   | <b>her</b> | <b>its</b> |
| <b>our</b> | <b>your</b> | <b>their</b> |            |            |

مثال:

**My** name is Ali.

نام من علی است.

What is **your** name?

نام شما چیست؟

How do you spell **his** name?

نام او را چگونه هجی می کنید؟

**Her** name is Sarah.

نام او سارا است.



## ضمایر ملکی:

همانگونه که بخش قبل ذکر شد، صفت ملکی قبل از اسم آمده و مالکیت را بیان می کند. مانند my book (کتاب من)  
ضمیر ملکی جایگزین اسم و صفت ملکی شده و مفهوم (دارایی) را می رساند.

ضمایر ملکی عبارتند از:

|      |       |        |      |     |
|------|-------|--------|------|-----|
| mine | yours | his    | hers | its |
| ours | yours | theirs |      |     |

مثال:

This is **my** pen.

این قلم من است.

This is **mine**.

این مال من است.



## ➡ ضمائر انعکاسی:

ضمائر انعکاسی برای انعکاس کار انجام شده به فاعل جمله به کار می روند.

ضمائر انعکاسی عبارتند از:

|                  |                   |                   |                |               |
|------------------|-------------------|-------------------|----------------|---------------|
| <b>myself</b>    | <b>yourself</b>   | <b>himself</b>    | <b>herself</b> | <b>itself</b> |
| <b>ourselves</b> | <b>yourselves</b> | <b>themselves</b> |                |               |

مثال:

My sister made **herself** sick from eating so much.

خواهرم با خوردن بیش از حد، خودش را مریض کرد.

**توجه:** ترکیب **by** با ضمائر انعکاسی مفهوم **(به تنهایی)** می دهد. مثال:

I made it **by myself**.

من به تنهایی آنرا ساختم.



## ➡ ضمایر مفعولی:

ضمیر مفعولی، کلمه ای است که بجای مفعول می نشیند تا از تکرار آن در جمله جلوگیری نماید. ضمایر مفعولی عبارتند از:

|           |            |                   |
|-----------|------------|-------------------|
| <b>me</b> | <b>you</b> | <b>him her it</b> |
| <b>us</b> | <b>you</b> | <b>them</b>       |

مثال:

Ali likes **him**.

علی او را دوست دارد.

Sarah speaks to **her** in French.

سارا در فرانسه با او صحبت می کند.

Ali watches **it** in the evening.

علی عصر آن را تماشا می کند.



## ❖ مفعول غیر مستقیم در جملات انگلیسی:

اگر جمله دارای دو مفعول باشد، مفعول شیء را به صورت مفعول مستقیم (چه چیزی را؟ / به چه چیزی؟) و مفعول شخص را به صورت مفعول غیر مستقیم (چه کسی را؟ / به چه کسی؟) بیان می کنیم.

**توجه:** در جملات دو مفعولی معمولاً ابتدا مفعول غیر مستقیم (شخص) و دنبال آن مفعول مستقیم (شیء) در جملات ذکر می گردد.  
مثال:

I am going to buy **my mother** something special.

I am going to buy **her** something special.

Let's send **Mom and Dad** some flowers.

Let's send **them** some flowers.

**توجه:** ممکن است در جملات ابتدا مفعول مستقیم (شیء) و دنبال آن مفعول غیر مستقیم (شخص) ذکر گردد. در اینصورت از **to** و **for** ماقبل مفعول غیر مستقیم استفاده می کنیم. مثال:

I give him a pen.

► I give a pen **to** him.

I bought him a pen.

► I bought a pen **for** him.



## ➡ ضمایر ربطی:

ضمایر ربطی یا Relative Pronouns ضمایری هستند که برای اتصال مابین جملات اصلی و جملات تابع به کار می روند. به مثال زیر توجه نمایید:

Fred is the man.

Fred cleans the school.

► Fred is the man **who** cleans the school.

فرد مردی است که مدرسه را تمیز می کند.

برخی از پرکاربردترین ضمایر ربطی عبارتند از:

**who** (به معنی که) برای اشاره به فاعل انسان به کار می رود.

**whom** (به معنی که او را) برای اشاره به مفعول انسان به کار می رود. (در متون

جدید معمولاً از **who** بجای **whom** استفاده می شود)

**which** (به معنی که) برای اشاره به فاعل و مفعول شیء به کار می رود.

**that** (به معنی که) بجای **who, whom, which** می تواند به کار برود.

مثال:

A dentist is someone **that** takes care of people's teeth.

A watch is a thing **which** shows the time.

A dictionary is a book **that** tells you the meaning of words.

**توجه:** هنگامیکه ضمایر ربطی به صورت مفعول در جمله نوشته می شوند، حذف آنها

تغییری در مفهوم جمله به وجود نمی آورد. مثال:

The book **that** you bought gives great information about holidays

► The book you bought gives great information about holidays.

**توجه:** زمانیکه ضمائر ربطی به صورت فاعل در جمله نوشته می شود، نمی تواند حذف شود. مثال:

The author **who** wrote that book did a great job.

► ~~The author wrote that book did a great job.~~



## ↩ صفت:

صفت در زبان انگلیسی پس از افعال to be (و افعالی نظیر feel, get, sound, seem و ...) و یا ماقبل اسم و برای توصیف آن به کار می رود. توجه داشته باشید که صفت همیشه به صورت مفرد در جملات ظاهر می شود. مثال:

rich:

She's **rich**.

She's a **rich** woman.

old:

It's **old**.

It's an **old** car.

It sounds **old**.

## ❖ انواع صفت:

اگر اسم دارای چندین صفت در جمله باشد، از الگوی زیر در چیدمان آن استفاده می کنیم:

اسم + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت اندازه + صفت کیفیت

مثال:

a **smart new woolen** jacket

a pair of **expensive black designer** jeans

some **big round bright red** sunglasses

some **comfortable large white cotton** T-shirt

some **nice wide-fitting brown leather walking** shoes



## 🔗 کاربرد as ... as در بیان تشابه صفتها:

برای بیان تشابه یا برابری صفت بین دو اسم از عبارت as ... as به صورت زیر استفاده می شود. مثال:

This LCD is **as good as** that one.

این نمایشگر به خوبی آن یکی است.

He is **as old as** I (am).

او به بزرگی من است (هم سن من است).

**توجه:** برای تاثیر بیشتر در بیان تشابه می توان از just قبل از as ... as استفاده نمود.

مثال:

The new LCD is just **as good as** the old one.

نمایشگر جدید دقیقا به خوبی مدل قدیمی اش می باشد.

**توجه:** برای بیان تشابه دو چیزی که دقیقا مشابه هم نبوده و فقط تا حدودی شبیه باشند، می توان از almost قبل از as ... as استفاده نمود.

مثال:

The new LCD is almost **as good as** the old one. But it's a little slower.

نمایشگر جدید تا حدودی به خوبی مدل قدیمی اش می باشد. ولی مقداری کند است.



**توجه:** برای بیان عدم تشابه دو اسم از **not as ... as** استفاده می شود. اگر اختلاف دو چیز محدود باشد، از قید **quite** و اگر اختلاف زیاد باشد، از قید **nearly** برای تاثیر بیشتر استفاده می گردد.

مثال:

My new air conditioner is not **as noisy as** the old one.

سیستم تهویه مطبوع من به پر سر و صدایی مدل قدیمی اش نیست.

The new LCD doesn't cost quite **as much as** the old one.

نمایشگر جدید اندکی اختلاف قیمت با نمونه قدیمی اش دارد.

The new LCD doesn't cost nearly **as much as** the old one.

نمایشگر جدید اختلاف قیمت زیادی نسبت به نمونه قدیمی اش دارد.

**توجه:** گاهی جملات **as ... as** در حالت مخفف به صورت زیر نوشته می شوند.

مثال:

We loved our old LCD. But our new LCD is just **as good**.

Have you seen my new car? My new car isn't nearly **as nice**.



## ❖ صفت تفضیلی:

صفت تفضیلی برای مقایسه برتری دو اسم نسبت به هم به کار می رود. مانند عبارت (علی از سارا قدبلندتر است.) در این جمله (قدبلندتر) صفت تفضیلی می باشد. در زبان انگلیسی صفت تفضیلی با افزودن -er به انتهای صفت‌های تک سیلابی بدست می آید. مثال:

taller: بلندتر ► tall: بلند

Ali is taller than Sarah.

علی از سارا قدبلندتر است.

than در جملاتی که دارای صفات تفضیلی هستند به معنی (از) جهت مقایسه دو اسم به کار می رود. مثال:

This book is not cheaper **than** that book.

این کتاب ارزان تر از آن کتاب نیست.

**توجه:** هنگام افزودن -er به انتهای صفت‌های تک سیلابی که حرف انتهای آنها بی صدا بوده و حرف ماقبل آخر صدadar (a, e, i, o, u) است، حرف انتهایی تکرار می شود. مانند bigger, fatter, hotter

## ❖ سیلابها در زبان انگلیسی:

به لغاتی مانند cat, dog, horse که در یک بخش ادا می شوند، کلمات تک سیلابی گفته می شود. لغاتی مانند monkey, dolphin که در دو بخش ادا می شوند، کلمات دو سیلابی گفته می شوند. همینطور لغاتی مانند kangaroo, elephant که در سه بخش ادا گردیده و سه سیلابی هستند.



همانطور که دیدید در صفت‌های تک سیلابی مانند tall و old، صفت تفضیلی با افزودن -er به انتهای لغت تشکیل می‌شود. مانند: older و taller

### ❖ صفت تفضیلی چند سیلابی:

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful، صفت تفضیلی با افزودن more به ابتدای لغت تشکیل می‌شود. مانند: more beautiful  
به مثالهایی در این زمینه توجه نمایید:

My bag is more expensive than your bag.

کیف من از کیف تو گران تر است.

My father is more hardworking than my uncle.

پدر من از عمویم سختکوش تر است.

### ❖ صفت‌های تفضیلی بی قاعده:

بعضی صفت‌های تفضیلی بی قاعده بوده و با افزودن -er به انتهای صفت ساخته نمی‌شوند. مثال:

Good: خوب ► Better: بهتر

Bad: بد ► Worse: بدتر

far: دور ► further: دورتر

fun: بامزه ► more fun: بامزه تر

**توجه:** گاهی صفت‌های تفضیلی چند سیلابی با less به معنی (کمتر) بجای more به معنی (بیشتر) نوشته می‌شوند. در این حالت جمله مفهوم منفی خواهد داشت. مثال:

Your book is less expensive than my book.

کتاب شما از کتاب من گرانتر نیست.

## ❖ صفت عالی:

صفت عالی برای مقایسه برتری میان چندین اسم به کار می رود. مانند عبارت (علی قدبلندترین دانش آموز است.) در این جمله (قدبلندترین) صفت عالی می باشد. در زبان انگلیسی صفت عالی با افزودن -est به انتهای صفت‌های تک سیلابی ساخته می شود.

مثال:

tall: بلند ► tallest: بلندترین

Ali is the tallest student.

علی قدبلندترین دانش آموز است.

**توجه:** the در جملاتی که دارای صفات عالی هستند همیشه قبل از صفت عالی به کار می رود. مثال:

Ali is **the** youngest child.

علی جوانترین بچه است.

## ❖ صفت عالی چند سیلابی:

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful، صفت عالی با افزودن most به ابتدای لغت ساخته می شود. مانند: most beautiful  
مثال:

Isfahan is the most beautiful city in Iran.

اصفهان زیباترین شهر ایران است.



### ❖ صفت عالی بی قاعده:

بعضی صفت‌های عالی بی قاعده هستند و با افزودن -est به انتهای صفت ساخته نمی شوند. مانند:

- Good: خوب ► Best: بهترین  
 Bad: بد ► Worst: بدترین  
 far: دور ► furthest: دورترین  
 fun: بامزه ► most fun: بامزه ترین

### ❖ ترکیب much با صفت عالی:

ترکیب much با صفت عالی به آن مفهوم (خیلی) می دهد. (در این حالت از very استفاده نمی شود).  
 مثال:

This book is **much** cheaper than that book.

این کتاب از آن کتاب خیلی ارزانتر است.



## ↪ کاربرد too و enough:

too قبل از صفت به معنی (خیلی، آنقدر زیاد) بوده و به جمله مفهوم منفی می دهد. مثال:

The water is **too** cold.

آب خیلی سرد است ( که نمی توان در آن شنا کرد).

I can't drink this tea. It's **too** hot.

نمی توانم این چای را بنوشم، خیلی داغ است.

**توجه:** فعل جمله پس از too به صورت مصدر (با to) به کار می رود. مثال:

The water is **too** cold **to** swim.

The tea is **too** hot **to** drink.

**توجه:** اگر بخواهیم فعل جمله را به شخصی نسبت دهیم، پس از too از for همراه با مفعول یا ضمیر مفعولی استفاده می کنیم. مثال:

The water is **too** cold **for** him **to** swim.

The tea is **too** hot **for** me **to** drink.

**توجه:** enough قبل از صفت به معنی (به اندازه کافی) بوده و به جمله مفهوم مثبت می دهد. مثال:

He is old **enough** to go to school.

او به اندازه کافی بزرگ شده است که به مدرسه برود.

It was warm **enough** to go to school.

به اندازه کافی هوا گرم شده بود که بتوان به مدرسه رفت.

## کاربرد so و such:

so قبل از صفت یا قید به معنی (خیلی، آنقدر) بوده و مفهوم صفت یا قید را تشدید می کند. مثال:

It's **so** hot today!

امروز هوا خیلی گرم است.

He walks **so** slowly.

او خیلی آرام راه می رود.

It was **so** cold that the water in the lake froze.

هوا آنقدر سرد بود که آب دریاچه یخ زد.

**توجه:** از so ماقبل کلماتی نظیر much, many, little, few و ... برای تاکید یا تشدید، استفاده می شود. مثال:

**So much** food was wasted every day.

There are **so many** people here!

I've had **so little** time to myself this week.

**توجه:** such قبل از اسم به معنی (بسیار، آنقدر) می باشد. اسم می تواند بصورت مستقل یا همراه با صفت در جمله به کار برده شود. مثال:

It's **such** a hot day today!

امروز، روز بسیار گرمی است.

He was **such** a good teacher that we all passed the exam.

او آنقدر معلم خوبی بود که ما همگی آزمون را با موفقیت گذرانیم.



## ❖ قید:

قید در جملات انگلیسی، معمولاً برای توصیف چگونگی انجام فعل استفاده می شود.  
مثال:

You speak English **well**.

شما **بخوبی** انگلیسی صحبت می کنید.

همچنین از قید می توان برای توصیف صفت یا قید دیگر هم استفاده نمود.  
مثال:

This kid is **extremely** cute.

این کودک فوق العاده بامزه است.

He walks **very** quickly.

او بسیار سریع راه می رود.

قیدها به پنج دسته مهم تقسیم می شوند:

۱- قید حالت      ۲- قید مکان      ۳- قید زمان      ۴- قید تکرار      ۵- قید مقدار

## ❖ قید حالت:

قید حالت، چگونگی انجام فعل را توصیف می کند و معمولاً در انتهای جمله قرار می گیرد. مثال:

He spoke **quickly**.

They left the room **quietly**.

He worked **hard**.



**توجه:** گاهی از کلماتی نظیر **very** (خیلی) و **quite** (نسبتاً) مقابل قید حالت استفاده می شود. مثال:

You speak English **very well**.  
She speaks English **quite well**.

### ❖ قید مکان:

قید مکان، محل انجام فعل را توصیف می کند. مثال:

He plays **at my home**.  
The book is **on the table**.

### ❖ قید زمان:

قید زمان، زمان وقوع فعل را نشان می دهد. مثال:

I will call you **later**.  
We watched the movie **last night**.

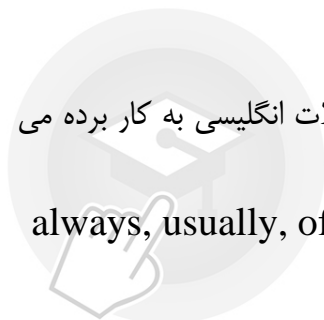
**توجه:** قیدهایی نظیر **finally, recently** می توانند ابتدا و انتهای جملات نیز ذکر شوند. مثال:

**Finally**, we arrived home.  
Have you seen any good films **recently**?

### ❖ قید تکرار:

قید تکرار برای نشان دادن تعداد دفعات تکرار فعل در جملات انگلیسی به کار برده می شود. مهمترین این قید ها عبارتند از:

**always, usually, often, sometimes, hardly ever, never**



**توجه:** قید تکرار معمولاً قبل از فعل اصلی و پس از فعل کمکی در جملات قرار می گیرد. مثال:

I **never** read the newspaper in the morning.

I don't **always** have breakfast.

Does he **often** work on Friday?

**توجه:** قید sometimes معمولاً در ابتدای جمله به کار برده می شود. مثال:

**Sometimes** I read the newspaper in the morning.

**توجه:** اگر فعل اصلی جمله to be باشد، معمولاً قید تکرار پس از آن قرار می گیرند. مثال:

He is **usually** in his office at 9 a.m.

**توجه:** قید never در جملات مثبت به کار می رود، اما به جمله مفهوم منفی می دهد. مثال:

~~He doesn't never watch TV.~~

► He **never** watches TV.

### ❖ قید مقدار:

قید مقدار، میزان و مقدار انجام فعل را توصیف می کند و معمولاً قبل از صفت یا قید حالت و گاهی قبل از فعل اصلی جمله قرار می گیرد. مثال:

I don't **quite** understand this exercise.

Be careful! You **almost** broke the window.

We didn't do **much** today.

## 🔗 کاربرد as ... as در بیان تشابه قیدها:

برای بیان تشابه یا برابری قید بین افعال جمله از عبارت as ... as به صورت زیر استفاده می شود. مثال:

My new phone works **as well as** my old one.

تلفن جدید من بخوبی مدل قدیمی کار می کند.

The new LCD doesn't run **as slowly as** the old one.

نمایشگر جدید به کندی مدل قدیمی اش کار نمی کند.



## ➡ افعال مودال:

افعال مودال یا افعال معین، گروهی از فعل ها هستند که در کنار یک فعل اصلی در جمله قرار گرفته و برای بیان توانایی، نیاز، احتمال، الزام و ... بکار می روند.

مهمترین افعال مودال عبارتند از:

can/could  
will/would  
may/might  
shall/should/ought to  
must, have to  
be able to  
need to

**توجه:** افعال مودال، به صورت ساده در جملات به کار برده می شوند (مثلا در حالت سوم شخص مفرد حال ساده، به آن s/es اضافه نمی شود). همچنین در بیان جملات منفی یا سوالی، به صورت فعل کمکی ظاهر می شوند و جمله را منفی یا سوالی می نمایند. از طرف دیگر فعل اصلی که پس از مودال ها به کار می رود، به صورت مصدر بدون to ذکر می شود.

مثال:

I **can** speak English.  
Can you speak English?

He **can not** run fast.  
Can he run fast?



## 🔗 کاربرد can در بیان توانستن و امکان داشتن:

can به معنی (امکان داشتن و توانستن) در جملات انگلیسی به صورت زیر به کار می رود:

**I can speak English.**

من می توانم انگلیسی صحبت کنم.

**We can run fast.**

ما می توانیم سریع بدویم.

در این ساختار can مشابه فعل کمکی می باشد. بنابراین برای ساختن جمله منفی باید not را به آن اضافه نماییم و یا برای جملات پرسشی می بایست can را به ابتدای جمله بیاوریم. (توجه داشته باشید که can't حالت مخفف can not می باشد).  
مثال:

**I can't speak Russian.**

**Can we skate?**

No, you **can't**.

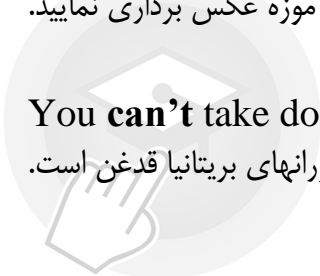
همچنین can به معنی (مجاز بودن) امور در جملات به کار می رود. مثال:

**You can take photos in the museum.**

شما می توانید در موزه عکس برداری نمایید.

**You can't take dogs into restaurants in Britain.**

بردن سگ به داخل رستورانهای بریتانیا قَدغن است.



توجه: may, be allowed to نیز به معنی (مجاز بودن و انتخاب آزادانه) امور تقریباً مترادف با can (در این مفهوم) در جملات به کار می‌روند.  
مثال:

Thank you. You **may** go now.  
Everyone **was allowed to** leave early.

could حالت گذشته can بوده و برای بیان توانستن در زمان گذشته به کار می‌رود. مثال:

I **could** swim.  
We **couldn't** swim.  
**Could** he swim?

همچنین could برای بیان امکان داشتن در زمان حال ساده نیز به کار می‌رود.  
مثال:

We **could** go to the cinema tonight.  
We **could** play tennis.



## 🔗 کاربرد must, should, have to, need to در بیان الزام:

must به معنی (ضرورت و اجبار) تقریباً مترادف با have to در جملات به کار می رود. مثال:

You **must** have a license to drive a car.

شما می بایست برای راندن ماشین، گواهینامه داشته باشید.

You **mustn't** smoke in the classroom.

استعمال دخانیات در کلاس قدغن است.

have to و has to (برای سوم شخص مفرد) به معنی (مجبور بودن) و تقریباً مترادف must می باشند. مثال:

I **have to** do it.

مجبورم که این کار را انجام دهم.

She **has to** wash her hands.

مجبور است که دستهایش را بشوید.

**توجه:** از don't have to برای بیان مواردی استفاده می شود که انجام آن ضروری نباشد. (به معنی (نباید) نیست). مثال:

We **don't have to** pass a test to ride a bicycle.

لازم نیست برای راندن دوچرخه، آزمون بدهیم.

**توجه:** need to تقریباً مترادف با have to جهت بیان الزام در جملات به کار می رود. همچنین needn't مترادف don't have to برای بیان مواردی استفاده می شود که انجام آن ضروری نباشد.



مثال:

You **need to** take the pills three times a day.  
 You'll **need to** show your passport at the hotel.

توجه: be supposed to به معنی (ضرورت و اجبار) در جملات به کار می رود.

مثال:

We **weren't supposed to** send personal emails.

توجه: should گذشته shall و به مفهوم (بهتر است که ...) جهت بیان و درخواست نصایح، راهنمایی و پیشنهاد و الزام اخلاقی در جملات به کار می رود.

مثال:

I am tired. I **should** go to bed.

خسته هستم. بهتر است که به تخت بروم و بخوابم.

My mother is ill. She **should not** go to work.

مادرم بیمار است. بهتر است که به سرکار نرود.

توجه: ought to تقریباً مترادف با should به مفهوم (بهتر است که ...) جهت بیان و درخواست نصایح، راهنمایی و پیشنهاد و الزام اخلاقی در جملات به کار می رود.

مثال:

You **ought to** keep a first aid kit in your car.

You really **ought to** quit smoking.



## 🔗 کاربرد must, might, can't در نتیجه گیری و قیاس:

**must** به مفهوم نتیجه گیری در جملات انگلیسی، هنگامی که از نتیجه فعل مطمئن باشیم، به کار می رود.

مثال:

He **must** be very rich if he's got a Rolls-Royce.

**might** زمانی به کار برده می شود که از نظر گوینده نتیجه جمله محتمل است.

مثال:

The shutters are closed. She **might** be asleep.

**can't** زمانی به کار برده می شود که از نظر گوینده نتیجه جمله غیر محتمل و بعید باشد است. مثال:

They **can't** be poor if they live in the most expensive part of town.

**توجه:** در مفهوم نتیجه گیری و قیاس، **can't** به عنوان منفی **must** می تواند به کار برده شود. مثال:

It **must** be difficult to live without electricity.

It **can't** be easy to live without electricity.



## ⚡ زمان گذشته افعال مودال:

ساختار گذشته modal ها به صورت زیر می باشد:

**modals + have + اسم مفعول فعل اصلی**

**توجه:** از حالت گذشته should برای بیان عملی استفاده می شود که در گذشته باید انجام می گرفته ولی انجام نشده است. مثال:

**I should have studied medicine.**

**She shouldn't have divorced Ali.**

**توجه:** حالت گذشته must, will به صورت فوق برای بیان استنتاج و نتیجه گیری از انجام عملی در گذشته به کار می رود. مثال:

The heating was working so they **will have been** cold.

There's no food in the fridge – she **must have eaten** it all.

**توجه:** حالت گذشته may, might, could معمولا برای بیان مواردی استفاده می شود که انجام عملی در گذشته از نظر گوینده محتمل باشد. مثال:

Someone phoned you earlier, it **might have been** Jim but I'm not sure.

She's very late. She **may have broken** down.

I don't know where he is, he **could have gone** for lunch.



**توجه:** عبارتهای **can't have, won't have** معمولاً برای بیان مواردی استفاده می‌شود که انجام عملی در گذشته از نظر گوینده غیر محتمل و بعید باشد.  
مثال:

Mark **can't have** gone to Benenden- It's a girls' school.

It's only 5 o'clock. They **won't have** arrived home yet.



## ↩ جملات پرسشی yes/no :

جملات پرسشی yes/no اصلی ترین ساختار جملات پرسشی بوده که پاسخ آن **بله/خیر** می باشد. این ساختار عموماً با آوردن افعال کمکی (و یا فعل to be) به ابتدای جمله بیان می شوند.  
مثال:

They **are** in the same class.

► **Are** they in the same class?

You **were** nervous.

► **Were** you nervous?

He speaks English.

► **Does** he speak English?

He **watched** TV last night.

► **Did** he watch TV last night?

You **are** walking to work.

► **Are** you walking to work?

You **have** seen Isfahan.

► **Have** you seen Isfahan?



## 🔑 جملات پرسشی با wh:

کلمات پرسشی با wh جهت پرسیدن اطلاعات بیشتر در خصوص جمله به کار می روند. عمده ترین کلمات پرسشی عبارتند از:

Who به معنی چه کسی:

**Who** is your boss?

When به معنی چه وقت:

**When** did she call?

What به معنی چه چیز یا چه کسی:

**What's** your name?

Why به معنی چرا:

**Why** are we waiting?

Where به معنی کجا:

**Where** are they today?

How به معنی چگونه:

**How** are you?

Which به معنی کدام:

**Which** book are you looking for?

Whose+noun به معنی مال چه کسی:

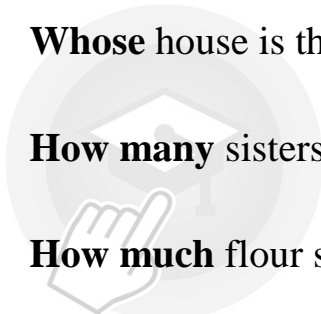
**Whose** house is that?

How many+noun به معنی چه تعداد:

**How many** sisters do you have?

How much+noun به معنی چه مقدار:

**How much** flour should I use in the sauce?



How often به معنی هر چند وقت:

**How often** do you go to the theatre?

سایر ترکیبهای How مانند How old, How long, How far و ...:

**How old** are you?

**How long** is your garden?

سایر ترکیبهای What مانند What time, What color, What size و ...:

**What time** is it?

**What subjects** did you enjoy most?

**What colour** is the new carpet?

**توجه:** در ساختار جملات پرسشی زمان حال یا گذشته ساده با افعال to be اگر کلمه پرسشی wh در حالت غیر فاعل قرار گیرد، کافیسست پس از ذکر کلمه پرسشی، جای فعل و فاعل را با هم عوض کرده و جمله را در حالت پرسشی بیان نماییم. مثال:

I am from Iran.

► **Where** are you from?

Their names are Ali and Sarah.

► **What** are their names?

I am 36 years old.

► **How old** are you?



**توجه:** در ساختار جملات پرسشی با افعال اصلی (to be) اگر کلمه پرسشی wh در حالت غیر فاعل قرار گیرد، کافیسست پس از ذکر کلمه پرسشی، فعل کمکی مناسب را بیان کرده، سپس فاعل، فعل و بقیه ارکان جمله را بیان نماییم. مثال:

I go out with my friend.

► **Who** do you go out with?

She goes out on the weekends.

► **When** does she go out?

**توجه:** در ساختار جملات پرسشی، اگر کلمه پرسشی wh در حالت فاعل قرار گیرد، کافیسست تنها جای فاعل را با آن کلمه عوض کرده و بقیه ارکان جمله را بدون تغییر ذکر نماییم. مثال:

Ali was the best student.

► **Who** was the best student?

Julie lives here.

► **Who** lives here?





## ❖ جملات پرسشی غیر مستقیم:

جملات پرسشی غیر مستقیم، جملاتی هستند که در آن پرسش اصلی در داخل یک عبارت مثبت یا یک عبارت سوالی دیگر، بیان می شود. جملات پرسشی غیر مستقیم عموماً مودبانه تر بوده و در مکالمات کاربرد بیشتری دارند.

## ❖ جملات پرسشی غیر مستقیم yes/no:

برای اتصال جملات پرسشی yes/no به جملاتی از قبیل I don't know, Do you know, Could you tell me و ... از قوانین زیر پیروی می کنیم:

۱ - جمله را با یکی از عبارات مشابه زیر آغاز می کنیم:

I don't know  
I wonder  
I'd like to know  
Do you know  
Could you tell me  
Would you mind tell me

۲ - جمله پرسشی را از حالت سوالی خارج نموده و آنرا توسط if یا whether به جمله مورد نظر متصل می کنیم.  
مثال:

Is it any good book here?

► I don't know **if it's any good book here.**

Did he like the novel?

► I wonder **whether he liked the novel.**

### ❖ جملات پرسشی غیر مستقیم با wh:

برای اتصال جملات پرسشی wh به جملاتی از قبیل I don't know, Do you know, Could you tell me و ... مشابه قسمت قبل عمل کرده ولی بجای if یا whether از همان کلمه پرسشی wh استفاده می کنیم.  
مثال:

What's the book about?

► I don't know **what the book's about**.

Where is the bank?

► Could you tell me **where the bank is**?

Why was he late for the meeting?

► Can you tell me **why he was late for the meeting**?

What should we do now?

► Can you tell me **what we should do now**?



## 🔑 جملات پرسشی ضمیمه:

به جمله (این فیلم ایرانی است، مگه نه؟) توجه نمایید. در زبان فارسی برای تاکید بر روی جملات از عباراتی مانند (مگه نه) استفاده می کنیم. این عبارتها در زبان انگلیسی به Tag Question معروف بوده و جهت تایید کردن اطلاعات توسط مخاطب بیان می شوند.

مثال:

This film is from Iran, **isn't it?**

این فیلم ایرانی است، مگه نه؟

جهت افزودن Tag Question که به آن جمله پرسشی ضمیمه گفته می شود، به قوانین زیر توجه نمایید:

- ۱- اگر جمله پایه، مثبت باشد، جمله پرسشی ضمیمه، منفی خواهد بود و برعکس.
- ۲- جمله پرسشی ضمیمه با استفاده از فعل کمکی و در زمان رویداد جمله اصلی ساخته می شود.
- ۳- جمله پرسشی ضمیمه همیشه به صورت مخفف نوشته می شود. مانند isn't it
- ۴- در زمان حال ساده بجای ~~amn't~~ از aren't I برای جمله پرسشی ضمیمه استفاده می شود.

مثال:

You know that man, **don't you?**

She doesn't know where the museum is, **does she?**

She didn't have a ticket, **did she?**

Sarah wasn't at the theater, **was she?**

My friends were at the cinema, **weren't they?**

Ali will go to the museum with us, **won't he?**

There won't be two films at the cinema, **will there?**

You aren't going to the cinema, **are you?**

**توجه:** در جملات امری، جمله پرسشی ضمیمه به صورت **will you?** به معنی (ممکنه؟) نوشته می شود.

مثال:

Sit in that row, **will you?**

Don't be late for the film, **will you?**

**توجه:** در جملاتی که با **Let's** آغاز شده باشند، جمله پرسشی ضمیمه به صورت **shall we?** به معنی (میشه؟) نوشته می شود.

مثال:

Let's go cinema, **shall we?**



## 🔗 کاربرد مصدر:

مصدر یا Infinitive همانند مصدر در زبان فارسی حالت اولیه و بدون زمان برای افعال می باشد. از آنجاییکه مصدر شامل **صورت اولیه فعل + to** می باشد، گاهی آنرا مصدر با **to** یا **Infinitive with to** می گویند. در مثال زیر **to go** مصدر می باشد:

I want you **to go** with him.

از تو، رفتن با او را می خواهم (= از تو می خواهم که با او بروی)

بطور کلی مصدر به تنهایی در جملات به کار نمی رود مگر بعد از بعضی افعال خاص (مانند **want** در مثال قبل). پرکاربردترین افعالی که بعد از آن فعل دوم معمولاً به صورت مصدر (با **to**) به کار برده می شود، عبارتند از:

want, like, agree, be sure, choose, decide, expect, hope, learn, need, plan, seem, wish, would like

**توجه:** در ترکیبات منفی مصدر، **not** قبل از **to** نوشته می شود. مثال:

I want you **not to go** there.

از تو نرفتن آنجا را می خواهم (= از تو می خواهم که آنجا نروی)



## 🔗 کاربرد اسم مصدر:

اسم مصدر یا Gerund با افزودن ing به انتهای فعل ساخته می شود. مانند painting (به معنی نقاشی) اسم مصدر به صورت اسم در جملات انگلیسی به کار

می رود.

مثال:

She enjoys **painting**.

او نقاشی را دوست دارد.

I've finished **cooking**.

من آشپزی را به اتمام رسانده ام.

**توجه:** پس از افعال زیر معمولاً اسم مصدر به کار می رود:

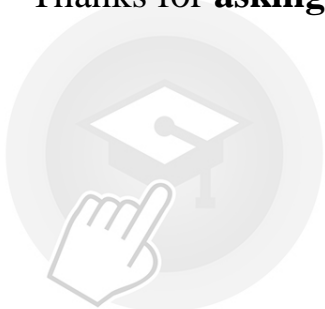
enjoy, feel, mind, practice, quit, suggest, would you mind, can't help, can't stand, to be used to, look forward to

مثال:

I enjoy **watching** TV.

**توجه:** پس از حروف اضافه، فعل به صورت اسم مصدر به کار می رود. مثال:

Thanks for **asking**.



## ❖ افعال خاص:

به مثالهای زیر توجه نمایید:

I stop **smoking**.

I stop **to smoke**.

عبارت نخست به معنی توقف سیگار کشیدن می باشد. در حالیکه مفهوم عبارت بعدی، ایستادن برای سیگار کشیدن است.

همانگونه که می بینید در برخی افعال خاص، فعل بعدی می تواند به صورت مصدر با to یا اسم مصدر (با -ing) ذکر گردد. این امر موجب تغییر در مفهوم جمله می گردد. برخی از افعال خاص عبارتند از:

stop, remember, go on, forget, mean, need, regret, try

مثال:

She introduced herself, then went on **to describe** her book.

He went on **speaking** after the teacher had told him to stop.

Did you remember **to close** the gate?

I don't remember **closing** the gate. Maybe I left it open.

**توجه:** پس از افعال زیر، فعل بعدی می تواند به صورت مصدر با to یا اسم مصدر (با -ing) ذکر گردد. با این وجود تغییر زیادی در مفهوم جمله حاصل نمی شود:

begin, start, like

مثال:

I started **learning** French when I was eight.

I started **to learn** French when I was eight.



## 📌 بیان هدف و نتیجه:

because, in order برای بیان هدف، منظور و نتیجه انجام کار می توان از کلمات that و... استفاده نمود.

مثال:

I scrolled down the page **because** I wanted to read the text.

من نوار اسکرول صفحه را پایین آوردم چون خواستم متن را بخوانم.

I clicked on that icon **in order that** I wanted to save the file.

من روی آن آیکون کلیک نمودم چون خواستم فایل را ذخیره کنم.

**توجه:** گاهی از مصدر افعال (to به همراه حالت اولیه فعل) برای بیان اهداف و نتیجه کار استفاده می شود. مثال:

I scrolled down **to read** the text.

من برای خواندن متن، نوار اسکرول صفحه را پایین آوردم.

I clicked on that icon **to save** the file.

من برای ذخیره فایل روی آن آیکون کلیک کردم.

**توجه:** در پاسخ کوتاه به پرسشها نیز می توان از حالت فوق استفاده نمود.  
مثال:

Why did you click on that icon?

► **To save** the file.





## ❖ اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش:

اسامی شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش هستند. مانند کتاب، میز و... اسم جمع این اسامی با s (و یا es) همراه می باشد. مانند: books, tables  
اسامی غیر شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش نیستند. مانند آب، نمک، حبوبات و... اسامی غیر شمارشی به صورت مفرد در جمله ظاهر می شوند و هنگامی که بخواهیم اسامی غیر شمارشی را به صورت جمع به کار ببریم از عبارتهایی نظیر قطعه، لیوان، کیلو و ... بسته به نوع اسم استفاده می کنیم.  
مثال:

two glasses of water

دو لیوان آب

two kilos of rice

دو کیلو برنج

three pieces of bread

سه تکه نان

برخی از اسامی غیر قابل شمارش عبارتند از:

**abstract ideas:** health, advice, help, luck, fun

**sports and activities:** tennis, swimming, golf, basketball

**illnesses:** cancer, AIDS, diabetes, dengue

**natural events:** rain, snow, wind, light, darkness

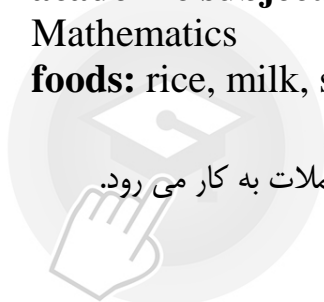
**academic subjects:** English, Chemistry, Art,

Mathematics

**foods:** rice, milk, sugar, fat

**توجه:** فعل اسامی غیر قابل شمارش، به صورت مفرد در جملات به کار می رود.

مثال:



Fat **isn't** good for you.

چربی برای شما خوب نیست.

Mathematics **is** my favorite subject.

ریاضیات موضوع مورد علاقه من است.

**توجه:** ماقبل اسامی غیر قابل شمارش از a, an استفاده نمی شود. ولی می توان از the هنگامی که به اشیای خاصی اشاره می شود، استفاده نمود. مانند: **the water**

**توجه:** some به معنی **چندتایی و مقداری** ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش در جملات مثبت به کار می رود. مثال:

I've got **some** oranges.

I've got **some** water.

**توجه:** از آنجاییکه some تنها در جملات مثبت به کار می رود، در جملات منفی و سوالی از any بجای آن استفاده می شود. مثال:

I haven't got **any** apples.

Have you got **any** bread?

**توجه:** many, a few, few فقط برای اسامی شمارشی و کلمات much, a little, little فقط برای اسامی غیر قابل شمارشی به کار می روند.



## ↪ کاربرد **much, many, a lot of**:

**much** به معنی **مقدار زیاد** ماقبل اسامی غیر قابل شمارش و در جملات منفی و سوالی به کار می رود. مثال:

How **much** water is there?

There isn't **much** water.

**many** به معنی **تعداد زیاد** ماقبل اسامی قابل شمارش جمع و در جملات منفی و سوالی به کار می رود. مثال:

How **many** oranges are there?

There aren't **many** eggs.

**a lot of** به معنی **تعداد و مقدار زیاد** بجای **much** و **many** ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش به کار می رود. مثال:

There are **a lot of** oranges.

There is **a lot of** water.



## ◀ جملات شرطی نوع صفر:

جملات شرطی نوع صفر به جملاتی گفته می شود که بیانگر یک واقعیت کلی بوده و همواره صحیح می باشند. مانند: (اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید) ساختار جملات شرطی نوع صفر به صورت زیر می باشد:

**جمله پاسخ در زمان حال ساده, جمله شرط در زمان حال ساده if**

مثال:

**If** you heat water to 100C, it boils.

**If** there is something good on, I usually stay in and watch TV.

**If** I eat too much, I gain weight.

**توجه:** برای بیان نصیحت یا توصیه دادن در خصوص موضوعی، می توان از جملات امری و یا جملاتی که با **should** در زمان حال ساده آغاز شده باشند در قسمت پاسخ شرط، استفاده نمود.

مثال:

**If** there's an accident, call the police.

**If** the road is flooded, don't try to drive.

**If** you cycle on a busy road, you should wear a helmet.

**If** you see a bear, you shouldn't run after it.

**If** there's a fire, what should we do?



## 🔑 جملات شرطی نوع اول:

جملات شرطی نوع اول به جملاتی دلالت دارد که احتمال وقوع رویدادی در آینده نزدیک را به شرط انجام فعلی در زمان حال بیان نماید. مثال:

**If I have time, I will phone you.**

اگر زمان داشته باشم به تو تلفن خواهم کرد.

ساختار جملات شرطی نوع اول به صورت زیر می باشد:

**جمله پاسخ در زمان آینده ساده, جمله شرط در زمان حال ساده if**

مثال:

**If he studies hard, he will pass the exam.**

اگر به سختی درس بخواند در آزمون قبول خواهد شد.

**If I have time, I'll finish the homework this afternoon.**

اگر فرصت داشته باشم، تمریناتم را این بعدازظهر تمام خواهم کرد.

همچنین می توان جملات شرطی نوع اول را به صورت زیر نیز به کار برد:

**جمله شرط در زمان حال ساده if جمله پاسخ در زمان آینده ساده**

مثال:

**He will pass the exam if he studies hard.**

در آزمون قبول خواهد شد اگر به سختی درس بخواند.

**I'll finish the homework this afternoon if I have time.**

تمریناتم را این بعد ازظهر تمام خواهم کرد اگر فرصت داشته باشم.



## 🔑 کاربرد جملات شرطی نوع دوم:

جملات شرطی نوع دوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط برای گوینده فرضی و غیر ممکن باشد. (مثلا اگر چینی صحبت می کردم.... یا اگر خانواده اش می دانستند و ...) ساختار جملات شرطی نوع دوم به صورت زیر می باشد:

**جمله پاسخ زمان آینده در گذشته، جمله شرط زمان گذشته ساده if**

مثال:

**If I spoke Chinese, I would** apply for that job.

اگر می توانستم چینی صحبت کنم، برای آن کار درخواست می دادم.

**If her parents knew** about her tattoo, they **would** be angry.

اگر خانواده اش خالکوبی را می فهمیدند، عصبانی می شدند.

**توجه:** در قسمت شرط جملات شرطی نوع دوم، به جای **was** از **were** استفاده می

شود. مثال:

**If I were you, I wouldn't** go there.

اگر به جای تو بودم، به آنجا نمی رفتم.

**If he were rich, he could** help you.

اگر او پولدار بود، می توانست به شما کمک کند.



## 🔪 کاربرد جملات شرطی نوع سوم:

جملات شرطی نوع سوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط فقط در زمان گذشته امکان انجام داشته ولی انجام نگرفته باشد. (مثلا اگر چینی صحبت کرده بودم، یا اگر خانواده اش دانسته بودند). ساختار جملات شرطی نوع سوم به صورت زیر می باشد:

**جمله پاسخ آینده کامل در گذشته، جمله شرط گذشته کامل if**

مثال:

**If I had had a cell phone, I could have called you.**

اگر یک گوشی موبایل داشته بودم، می توانستم با تو تماس بگیرم.

**She wouldn't have been late if she had checked the map.**

او دیر نمی کرد اگر نقشه را چک کرده بود.

## ❖ جملات شرطی ترکیبی:

جملات Mixed Conditional، از ترکیب جملات شرطی نوع دوم و سوم، ساخته می شوند. ساختار جملات شرطی ترکیبی به صورتهای زیر می باشد:

**جمله پاسخ آینده در گذشته، جمله شرط گذشته کامل if**

**جمله پاسخ آینده کامل در گذشته، جمله شرط گذشته ساده if**

مثال:

**If I hadn't got the job in Tokyo, I wouldn't be with my current partner.**

اگر شغل را در توکیو نگرفته بودم، (الان) با شریک فعلیم نبودم.

(اشاره به شرایط غیر واقعی در گذشته و نتیجه احتمالی در حال)

**If it weren't important, I wouldn't have called you.**

اگر مهم نبود (الان)، با تو تماس نگرفته بودم.

(اشاره به موقعیت حال و نتیجه احتمالی در گذشته)

## 🔗 کاربرد wish:

جملاتی که بیانگر آرزو و افسوس در زمانهای مختلف باشند، با عبارت **I wish** به معنی (ای کاش) آغاز می گردند. در ساختار این جملات همیشه فعل جمله یک زمان عقب تر از زمان مفهومی جمله نوشته می شود. مثال:

**I wish my laptop were a little faster.**

کاش لپ تاپ من قدری سریعتر می بود.

**I wish I had studied harder.**

ای کاش بیشتر درس می خواندم.

**توجه:** در این جملات از **were** بجای **was** استفاده می شود. مثال:

**I wish I weren't so tired.**

**توجه:** گاهی از **If only** بجای **wish** به مفهوم فوق نیز استفاده می شود. مثال:

**If only we didn't have to go today.**

**توجه:** **wish** یا **If only** جهت بیان اعتراض به وضع کنونی نیز استفاده می شود.

مثال:

**I wish he would stop smoking.**

**If only they wouldn't make a mess.**





## کاربرد **used to**:

**used to** به معنی (**عادت داشتن به ...**) جهت بیان عادت به انجام کاری در زمان گذشته به کار می رود (که در زمان حال ترک شده باشد) مثال:

**I used to drink too much coffee.**

در گذشته عادت به نوشیدن مقدار زیادی قهوه داشتم.

از آنجاییکه **used to** بیانگر زمان گذشته است، با استفاده از فعل کمکی **did** می توان جملات را سوالی و منفی نمود. مثال:

**I didn't use to eat coffee.**

در گذشته عادت به نوشیدن قهوه نداشتم.

**Did he use to avoid sweet?**

آیا او عادت به پرهیز از شیرینی داشت؟

**No, he didn't.**

خیر

## ❖ کاربرد **be/get used to**:

از **be/get used to** برای بیان مواردی استفاده می شود که گوینده به آن عادت دارد یا اموری که نسبت به آن آشنایی کافی داشته باشد. مثال:

**I am used to the weather in this country.**

**Ali isn't used to spicy food.**

**They aren't used to driving on the right.**

**It took my mother years to get used to living in London after moving from Iran.**

توجه کنید که پس از **be/get used to** اسم و یا فعل همراه با **-ing** ذکر می گردد.

## کاربرد would:

**توجه:** می توان از would مشابه used to جهت بیان انجام کاری که در زمان گذشته به صورت عادت انجام می شده، نیز استفاده نمود. مثال:

Whenever Richard was angry, he **would** walk out of the room.

هروقت که ریچارد عصبانی می شد، از اتاق بیرون می رفت.

She **would** cycle to school.

او عموماً به طرف مدرسه دوچرخه سواری می کرد.

**توجه:** می توان از زمان گذشته ساده نیز جهت بیان انجام کاری که در زمان گذشته به صورت مداوم انجام می شده، مشابه used to استفاده نمود. مثال:

She **walked** 5kms every day.

We **lived** in Italy.

**توجه:** کاربرد دیگر would استفاده از آن در درخواست های مودبانه می باشد. مثال:

**Would** you open the door?

ممکنه در را باز کنید؟

**Would** you **mind** opening the door?

اشکالی دارد که در را باز کنید؟

**توجه:** از عبارت would like برای بیان محترمانه پیشنهاد نیز به صورت زیر استفاده می شود:

**Would you like** a glass of water?

یک لیوان آب میل دارید؟

## 🔗 بیان مالکیت:

از 'S برای بیان مالکیت جانداران در جملات استفاده می شود. مانند:

Ali's book

کتاب علی

Sarah's mother

مادر سارا

از of مابین دو اسم برای بیان مالکیت اشیاء در جملات استفاده می شود. مانند:

The window of the class

پنجره کلاس

**توجه:** در بیان مالکیت جانداران، چنانچه اسم به صورت جمع با قاعده در جملات به کار رفته باشد، از ' بجای S استفاده می شود. مثال:

The students' classroom

کلاس دانش آموزان

The children's book

کتاب بچه ها

**توجه:** در بیان مالکیت حیوانات نیز معمولاً از 'S به صورت فوق استفاده می شود. مثال:

Don't step on the cat's tail.

**توجه:** در اتصال اسم به قید زمان یا طول زمان، از 'S استفاده می شود. مثال:

Today's news / Tomorrow's newspaper

Next week's meeting / Monday's show / 10 minutes' walk.

Julia has got a week's holiday starting on Monday.

## ❖ حرف تعریف نامعین:

به a و an که ماقبل اسامی قابل شمارش مفرد به کار برده می شوند، حروف تعریف نامعین گفته می شود. حرف تعریف نامعین به معنی (ی) در جملات به کار می رود. مانند a book (کتابی)

حرف تعریف an قبل از اسامی مفرد که با حروف صدا دار (a, e, i, o, u) و همچنین h نا ملفوظ) آغاز شده باشند به کار می رود.  
مثال:

**an** actress, **an** English singer

حرف تعریف a قبل از اسامی مفرد که با حروف بی صدا آغاز شده باشد، به کار می رود.  
مثال:

**a** dentist, **a** Spanish actor

**توجه:** حروف تعریف نامعین، قبل از اسامی مفرد قابل شمارش قرار می گیرند. کاربرد دیگر این حروف، استفاده از آنها ماقبل شغل افراد و همچنین برخی از بیماریها می باشد. مثال:

He is **an** English teacher.

او معلم انگلیسی است.

I have **a** cold.

سرماخوردگی دارم.



## ⬇ حرف تعریف معین:

the حرف تعریف معین بوده و ماقبل اسامی که برای مخاطب مشخص باشد به کار می رود. حرف تعریف the قبل از اسامی مفرد و جمع می تواند به کار برده شود. مثال:

**The window**

(همان) پنجره (که می شناسی)

**a window**

پنجره ای

**توجه:** حرف تعریف معین the در موارد زیر نیز به کار می رود:

- قبل از اسامی رشته کوه ها، رودخانه ها، اقیانوس ها، دریاها، مجموعه جزایر، بیابان و...
  - قبل از اسامی روزنامه ها، شرکت های دولتی و ملی، پست سازمانی و...
  - قبل از نام کشورهای که ترکیبی از چند لغت باشند.
  - قبل از اسامی ترتیبی مانند اول، دوم و...
  - قبل از صفات عالی
  - قبل از اسامی منحصر به فرد مانند ماه، خورشید، زمین و...
- مثال:

**the Andes / the River Seine / the Middle East**

**the United Nation / the managing director**

**the United Kingdom**

**the first of March / the best**

**the moon / the North Pole**

**توجه:** حرف تعریف معین در مواردی از قبیل اسامی خاص، کوه های منفرد، مناطق، کشورها، جزیره های منفرد، شهر و دریاچه و .. به کار نمی رود. مثال:

**Western Australia / Mount Everest / Europe**

**President Obama**

## ⬅ حروف اضافه زمان:

حرف اضافه on برای کل روز به کار برده می شود. مثال:

**on** Friday, **on** Christmas Day, **on** my birthday, **on** 19 May 1979

حرف اضافه in برای قسمتی از روز و همچنین قبل از ماه، سال و فصل به کار می رود.  
مانند:

**in** the morning, **in** the afternoon, **in** the evening, **in** January

حرف اضافه at برای مقاطع زمانی از قبیل شب، نیمه شب، ظهر، سپیده دم و ... به کار برده می شود. مانند:

**at** night, **at** midnight, **at** noon, **at** dawn, **at** midday, **at** sunrise, **at** 10 a.m.

**توجه:** در موارد زیر، حرف اضافه در جملات ذکر نمی شود:

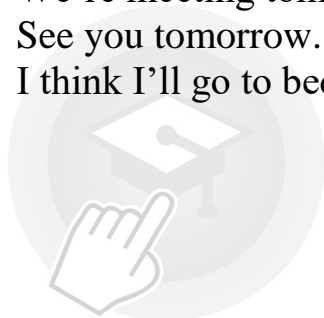
tonight, tomorrow, last week, this morning, every day

مثال:

We're meeting tomorrow evening.

See you tomorrow.

I think I'll go to bed early tonight.



## ↪ حروف اضافه مکان:

حرف اضافه in برای مکانهای سرپوشیده مانند اتاق، و همچنین وسایل نقلیه خصوصی به کار می رود. مثال:

She works **in** a big hotel.  
They are **in** the playground.  
He went to work **in** his car.

حرف اضافه on برای سطح مکانها، جاده و راه، و همچنین برای وسایل نقلیه عمومی به کار می رود. مثال:

We've got a villa **on** the Mediterranean coast.  
We had a lovely holiday **on** the River Thames.  
She got a job **on** a ship.  
I don't like travelling **on** buses.

حرف اضافه at برای نقاط ویژه و مشخص مانند ایستگاه قطار، مدرسه و دانشگاه به کار می رود. مثال:

We met **at** the station.  
Wait **at** the reception desk.  
They're **at** work.  
He's **at** home.  
My daughter is **at** university.

**توجه:** چنانچه عبارتهای at home و at work و at school و ... به قصد انجام دادن فعالیت در محل باشد (مانند کار کردن، سر کار بودن) معمولاً بدون ذکر a و an، حرف اضافه at به کار برده می شود. در غیر اینصورت چنانچه منظور از جمله، فقط قرار گرفتن شخص در موقعیت مکانی باشد از in استفاده می شود.

## ↩ کاربرد too, so, either, neither, nor

از so و too جهت جلوگیری از تکرار جملات پایه مثبت به معنی (همینطور) به صورت زیر استفاده می شود:

**too + فعل کمکی + فاعل : جمله پایه مثبت**

**فاعل + فعل کمکی + so : جمله پایه مثبت**

مثال:

I am allergic to cats.

► I am **too**.

I hate mushrooms.

► **So** do I.

از either و neither و nor جهت جلوگیری از تکرار جملات پایه منفی به معنی (همینطور) به صورت زیر استفاده می گردد:

**either + فعل کمکی منفی + فاعل : جمله پایه منفی**

**فاعل + فعل کمکی + nor/neither : جمله پایه منفی**

مثال:

I am not an animal lover.

► I'm not **either**.

I don't live in London.

► **Neither(/Nor)** do I.





## ❖ جملات معلوم و مجهول:

به جملاتی که در آن فاعل نقش موثری به عهده دارد و فعل جمله به فاعل آن بر می گردد، جمله معلوم گفته می شود. اغلب جملاتی که تاکنون آموخته ایم جملات معلوم می باشند. مثال:

I study English.

به جملاتی که در آن مفعول نقش موثری به عهده دارد و فعل به صورت عمل انجام شده به مفعول نسبت داده شود، جمله مجهول می گویند.  
به جملات زیر توجه نمایید:

Ali sees me.

علی من را می بیند. (جمله معلوم)

I am seen.

من دیده می شوم. (جمله مجهول)

همانطور که می بینید جهت تبدیل جملات معلوم به مجهول، ابتدا مفعول را به ابتدای جمله آورده، سپس فاعل را حذف نموده و فعل اصلی جمله را به صورت اسم مفعول آن به همراه زمان مناسب to be ذکر می کنیم.

## ❖ ساختار جملات مجهول حال ساده:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + am/is/are + مفعول

مثال:

Every year the government builds a new railway line.

► A new railway line is built by the government every year.

## ❖ ساختار جملات مجهول حال استمراری:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + being + am/is/are + مفعول

مثال:

The police are arresting the murderer.

► The murderer is being arrested.

## ❖ ساختار جملات مجهول حال کامل:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + been + have/has + مفعول

مثال:

The police have arrested the burglars.

► The burglars have been arrested.

## ❖ ساختار جملات مجهول گذشته ساده:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + was/were + مفعول

مثال:

The police arrested the criminals.

► The criminals were arrested.

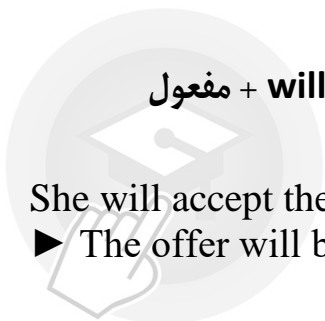
## ❖ ساختار جملات مجهول آینده ساده:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + be + will + مفعول

مثال:

She will accept the offer.

► The offer will be accepted by her.



## 🔗 جملات سببی:

جمله سببی یا Causative Sentence زمانی به کار می رود که در آن فاعل، انجام فعل را به شخص دیگری واگذار نماید. مثلا جمله (دادم اطاقم را تمیز کنند.) یک جمله سببی می باشد. در زبان انگلیسی برای نوشتن جملات سببی از افعال have و get به صورت زیر استفاده می شود:

اسم مفعول فعل اصلی + مفعول + have / get + فاعل

مثال:

I **got** my room cleaned.

دادم اطاقم را تمیز کنند.

They **got** their photos enlarged.

دادند عکسهایشان را بزرگ کنند.

She can **have** her film copied.

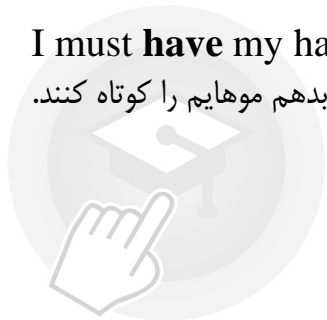
او می تواند بدهد فیلمش را کپی کنند.

We are **having** the office cleaned.

می دهیم دفتر را تمیز کنند.

I must **have** my hair cut.

باید بدهم موهایم را کوتاه کنند.



**توجه:** به جملات فوق که در آن فردی که انجام کار را به او واگذار می کنیم نامشخص است، جملات سببی مجهول گفته می شود. در جملات سببی معلوم، کننده کار مشخص است.

ساختار جملات سببی معلوم به صورتهای زیر می باشد:

**مفعول + مصدر بدون to + شخص مورد نظر + have + فاعل**

**مفعول + مصدر با to + شخص مورد نظر + get + فاعل**

مثال:

**I had** my brother paint my room.

**I got** my brother to paint my room.

دادم به برادرم اطاقم را رنگ کند.

**توجه:** می توان از کلماتی از قبیل make, let نیز بجای have در جملات سببی معلوم استفاده نمود.

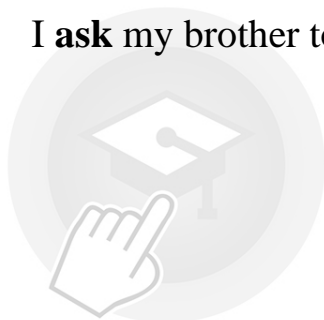
مثال:

**I made** my brother help me finish the job.

**توجه:** می توان از کلماتی از قبیل want, ask, request نیز بجای get در جملات سببی معلوم استفاده نمود.

مثال:

**I ask** my brother to help me finish the job.



## 🔑 نقل قول مستقیم:

به جمله (علی گفت: "من به مدرسه می روم.") توجه نمایید. در زبان انگلیسی هرگاه جملات شخص غایب را عیناً و بدون هیچ تغییری بیان کنیم، به آن نقل قول مستقیم گفته می شود.

مثال:

Ali said, "I am going to school."

جهت بیان نقل قول مستقیم، از زمان مناسب فعل say و علامت (,) استفاده می نماییم. سپس جمله مورد نظر را بدون هیچ تغییر داخل گیومه (" ") می نویسیم.

مثال:

They said, "The weather is awful."

They said to me, "The weather is awful."



## 🔑 نقل قول غیر مستقیم:

در نقل قول غیر مستقیم، جملات شخص غایب را با اندکی تغییر و با حفظ مفهوم آن بیان می کنیم. به جمله (علی گفت: "من به مدرسه می روم.") توجه نمایید. در نقل قول غیر مستقیم جمله فوق به صورت (علی گفت که او به مدرسه رفت.) نوشته می شود. مثال:

Ali said that he went to school.

**توجه:** برای تغییر جملات نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم به صورت زیر عمل می کنیم:

۱ - علامت (,) را حذف نموده و بجای آن از رابط **that** استفاده می کنیم.

۲ - علامت (" ") را از جمله حذف می کنیم.

۳ - زمان جمله نقل شده را یک زمان به عقب می بریم.

۴ - در ضمایر فاعلی، مفعولی و صفات ملکی از الگوی زیر پیروی می کنیم:

I ► He / She

You ► I / We

We ► They

۵ - در صورت نیاز از الگوهای زیر برای تبدیل لغات استفاده می کنیم:

this ► that

these ► those

here ► there

now ► then

ago ► before

today ► that day

yesterday ► the day before

tomorrow ► the next day

مثال:

They said, "The weather is awful."

► They said that the weather was awful.

Dan said, "We all had the flu."

► Dan said that they had all had the flu.

**توجه:** رابط *that* در جملات غیر مستقیم می تواند حذف شود.

مثال:

They said the weather was awful.

**توجه:** برای تبدیل جملات نقل قول مستقیم امری به نقل قول غیر مستقیم از الگوی

زیر پیروی می کنیم:

... + مصدر (با *to*) + مفعول + **said/told/asked** + فاعل

مثال:

He said, "Read the book."

► He asked me to read the book.

She told Dan, "Call me tomorrow."

► She told Dan to call her the next day.

**توجه:** اگر جمله نقل قول مستقیم درخصوص یک رویداد علمی و یا حقیقت انکار

نشدنی باشد، هنگام نوشتن جمله نقل قول غیر مستقیم تغییر زمان نخواهیم داشت.

مثال:

They said that English is an international language.



## ❖ افعال دو جزئی:

افعال دو جزئی یا Phrasal Verbs، افعالی هستند که از دو بخش شامل فعل اصلی و یک یا چند حرف اضافه، تشکیل شده و معنی متفاوتی نسبت به فعل اصلی دارند. مانند turn on (روشن کردن)

برخی از افعال دو جزئی رایج عبارتند از:

turn on, turn off, fill up, try on, take off, put out, break up, take out, give up, pick up, look up, put on, put off, turn up, turn down, look forward to

مثال:

I will **turn on** the car.

عبارت فوق به صورت زیر نیز می تواند نوشته شود:

I will **turn** the car **on**.

در این جمله مفعول مابین دو قسمت فعل دو جزئی قرار می گیرد.

**توجه:** اگر بجای مفعول از ضمائر مفعولی استفاده نماییم، ضمیر مفعولی می بایست مابین دو قسمت افعال دو جزئی نوشته شود. به عبارت دیگر جملات زیر از نظر نگارش صحیح بوده و معنی واحدی می دهد:

I will turn off **the light**.

I will turn **the light** off.

I will turn **it** off.

من چراغ را خاموش خواهم کرد.

ولی جمله زیر نادرست است:

~~I will turn off it.~~





**توجه:** برخی از افعال دو جزئی قابلیت جداشدن از هم را نداشته و همواره به صورت یک ترکیب مورد استفاده قرار می گیرند. نمونه ای از این افعال عبارتند از:

look for, search for, think of, look for, hold on, get on,  
catch on, get off, keep on, ask for, fall off

مثال:

I am **looking for** my book.

به عبارت دیگر جمله زیر نادرست می باشد:

~~I am looking my book for.~~



## کاربرد clause ها

جمله واره یا clause مجموعه ای از کلمات که حداقل شامل فاعل و فعل است، می باشند. به طور کلی جمله واره ها به دو گروه اصلی تقسیم می شوند. جمله واره مستقل و جمله واره غیر مستقل.

### ❖ جمله واره مستقل:

جمله واره مستقل، به تنهایی مفهوم کاملی ارائه می دهد و به نوعی یک جمله ساده و کامل به شمار می آید. مثال:

Fred is the man.

Fred cleans the school.

### ❖ جمله واره غیرمستقل:

جمله واره غیرمستقل، به تنهایی مفهوم کاملی نداشته و در کنار جملات دیگر، مفهوم دارد. مثال:

after he wrote the letter

as I was walking home

جمله واره های غیر مستقل به چندین دسته تقسیم می شوند که مهمترین آنها عبارتند از جمله واره های اسمی، جمله واره های موصولی، جمله واره های قیدی و وجه وصفی فعل.



## کاربرد Noun Clause:

جمله وارہ های اسمی یا Noun Clause ها به جمله وارہ های غیرمستقلی گفته می شود کہ در جایگاه اسم (فاعل/مفعول) در جمله قرار می گیرند. مثال:

**What I had forgotten** was that I had a test today.

(فاعل)

You must choose **which flavor of ice cream** you want.

(مفعول)

Josie is not interested in **whatever Kyle** says.

(مفعول پس از حرف اضافه)



## کاربرد Relative Clause:

جمله واره های موصولی یا Relative Clause (Adjective Clause) ها به جمله واره های غیرمستقلی گفته می شود که در جمله، اطلاعات بیشتری نسبت به اسم ارایه می کنند. جمله واره های موصولی، با ضمایر ربطی همراه هستند که مهمترین آنها عبارتند از: who, what, when, where, that

مثال:

Fred is the man **who cleans the school**.

فرد مردی است که مدرسه را تمیز می کند.

**توجه:** هنگامیکه ضمایر ربطی به صورت مفعول در جمله نوشته می شوند، حذف آنها، تغییری در مفهوم جمله بوجود نمی آورد.

مثال:

The book **that you bought** gives great information about holidays

► The book **you bought** gives great information about holidays.

**توجه:** زمانیکه ضمایر ربطی به صورت فاعل در جمله نوشته می شود، نمی تواند حذف شود.

مثال:

The author **who wrote that book** did a great job.

► ~~The author wrote that book did a great job.~~



## ❖ موصول وصفی و غیر وصفی:

Relative clause ها به دو دسته موصول وصفی و غیر وصفی تقسیم می شوند. در موصول وصفی، جمله پیرو جهت توضیحات بیشتر درخصوص جمله پایه بیان می شود و حذف آن موجب نامفهومی عبارت اصلی می گردد. مثال:

I saw the author **who wrote that book**.

در این جمله اگر عبارت **who wrote that book** حذف شود، جمله از نظر مخاطب گویا نخواهد بود.

موصول غیر وصفی به جملاتی گفته می شود که جهت توضیحات بیشتر درخصوص جمله پایه بیان می شود ولی حذف آن تاثیر چندانی در درک مخاطب نخواهد داشت. مثال:

My sister, **who is from Barcelona**, speaks Castellano and Catalan.

Sam, **whose father is a doctor**, is studying French.

Edinburgh, **which is in the east of Scotland**, is a beautiful city.

Edinburgh, **where we spent our holiday**, is a beautiful city.

The accident happened on Tuesday, **when I was driving home**.

**توجه:** به کار بردن علامت (,) قبل و بعد از موصول غیر وصفی، ضروری می باشد.

**توجه:** همانطور که قبلاً ذکر شد، در جمله های شامل موصول وصفی که در آن ضمیر ربط به صورت مفعول در جمله نوشته می شود، ضمیر ربط قابل حذف است. در صورتیکه ضمیر ربط در موصول غیر وصفی قابل حذف نمی باشد.

## کاربرد Adverbial Clause:

جمله واره های قیدی یا Adverbial Clause ها به جمله واره های غیرمستقلی گفته می شود که در جایگاه قید در جمله قرار گرفته و درخصوص فعل/صفت/قید دیگر، توضیحات بیشتری ارایه می دهند. مثال:

He bakes cakes **before he leaves for work every Sunday**.

**Eagerly**, my brother agreed to the business proposal.

**As dollar signs flashed in his eyes**, my brother agreed to the business proposal.

Andrei eats his lunch **faster than everyone else eats**.

جمله واره های قیدی، به زیرمجموعه های قید قابل تعمیم هستند. به مثالهای زیر توجه نمایید:

The politician seemed as if he had never spoken publicly before. **(Manner)**

They hiked before they ate dinner. **(Time)**

They drove to the farm so that they could pick apples. **(Purpose)**

The puppy followed me wherever I went. **(Place)**

We will go to the zoo if it is sunny. **(Condition)**

We thought you'd go to the concert since you love Vivladi's music. **(Reason)**

He can bake as well as his grandmother. **(Comparison)**

I like to bike, though I don't do it much these days. **(Concession)**

The kitten was so cute that I had to buy it. **(Result)**



## کاربرد Participle Clause:

وجه وصفی فعل یا Participle Clause ها گونه ای از جمله وارهِ های قیدی هستند که به منظور کاهش تعداد لغات جمله به کار می روند. به مثال زیر توجه نمایید:

**Do you know the woman **talking to Tom**?**

آیا خانمی که در حال صحبت با تام است را می شناسید؟

در این مثال، **talking to Tom** که جهت ادای توضیحات بیشتر به مخاطب ذکر گردیده، وجه وصفی فعل به شمار می آید.

وجه وصفی فعل به سه دسته وجه وصفی حال، وجه وصفی گذشته و وجه وصفی کامل دسته بندی می شوند.

### ❖ وجه وصفی زمان حال:

وجه وصفی در زمان حال یا **Present Participle Clause**، از ترکیب فعل و **-ing** تشکیل می شود. این ساختار برای بیان توضیحات در زمان حال جهت جملاتی که به صورت همزمان با فاعل یکسان رخ دهند (و یا توضیحاتی که همواره معتبر هستند) به کار می رود. مثال:

**Waiting for Ellie, I made some tea.**

(While I was waiting for Ellie, I made some tea.)

این ساختار برای بیان نتیجه، دلیل یا توضیحات مکمل به کار می رود. به مثالهای زیر توجه نمایید:



Tom lost his keys **walking through the park.**

(Tom lost his keys while he was walking through the park.)

She left the room **singing happily.**

(She left the room as she was singing happily.)

**Opening the envelope,** I found two concert tickets.

(I opened the envelope and I found two concert tickets.)

A bomb exploded, **killing three people.**

(A bomb exploded and it killed three people.)

When I entered the room, they all looked at me, **making me uncomfortable.**

(When I entered the room, they all looked at me and made me uncomfortable.)

**Having nothing left to do,** Julie went home.

(Since Julie had nothing left to do, she went home.)

**Knowing a little French,** I had no difficulty making myself understood.

(As I knew a little French, I had no difficulty making myself understood.)

**Working as salesman,** I get to meet a lot of businessmen.

(I get to meet a lot of businessmen because I work as a salesman.)



The bomb exploded, **destroying the building**.

**Knowing she loved reading**, Richard bought her a book.

**Standing in the queue**, I realised I didn't have any money.

**Starting in the new year**, the new policy bans cars in the city centre.

### ❖ وجه وصفی گذشته:

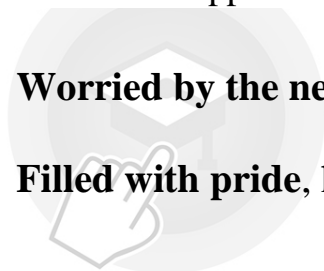
وجه وصفی در زمان گذشته یا Past Participle Clause، از ترکیب گذشته فعل اصلی تشکیل می شود. این ساختار با مفهوم مجهول، برای بیان توضیحات در زمان گذشته جهت جملاتی که با فاعل یکسان رخ دهند به کار می رود.  
مثال:

**Shocked by the explosion**, the people ran for shelter.  
(The people were shocked by the explosion and ran for shelter)

The musicians stood up, **surrounded by thunderous applause**.  
(The musicians stood up while they were surrounded by thunderous applause.)

**Worried by the news**, she called the hospital.

**Filled with pride**, he walked towards the stage.



**Shocked by the explosion**, the people ran for shelter.

The musicians stood up, **surrounded by thunderous applause**.

### ❖ وجه وصفی کامل:

وجه وصفی کامل یا Perfect Participle Clause، از ترکیب Having با اسم مفعول فعل اصلی تشکیل می شود. این ساختار با مفهوم مجهول، برای بیان توضیحات در زمان گذشته جهت جملاتی که با فاعل یکسان رخ دهند به کار می رود.  
مثال:

**Having brushed my teeth**, I realised I hadn't used my toothbrush.

(After I had finished brushing my teeth, I realised I hadn't used my toothbrush.)

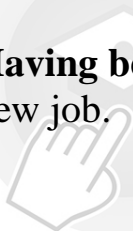
**Having been nominated many times**, Leo DiCaprio is her all-time favourite actor.

(passive perfect participle: having been + past participle)

**Having got dressed**, he slowly went downstairs.

**Having finished their training**, they will be fully qualified doctors.

**Having been made redundant**, she started looking for a new job.



## 🔗 کاربرد phrase ها

عبارت یا phrase مجموعه ای از کلمات بدون فاعل هستند که مفهومی را منتقل می کنند. به عبارت دیگر تفاوت اصلی phrase با clause این است که در phrase فاعل وجود ندارد.

به مثالهای زیر که انواع مختلف phrase را نمایش می دهد، توجه نمایید:

That song choice was **way too bold**.

(Adjective)

She was **taller than all of her classmates**.

(Adjective)

He bakes cakes **every Sunday**.

(Adverb)

We ran out of there **at a breakneck speed**.

(Adverb)

**My small dog** barks at ducks.

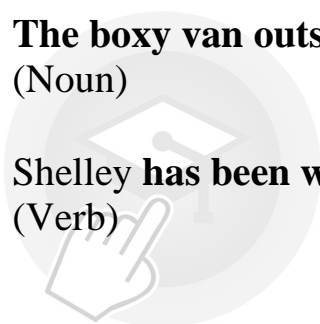
(Noun)

**The boxy van outside** has circled the block twice already.

(Noun)

Shelley **has been waiting** for an hour already.

(Verb)



I **am writing** a novel.

(Verb)

The cat jumped **onto the counter**.

(Prepositional)

All the neighbors are looking forward to **barbecuing on Sunday**.

(Gerund)

We had hoped **to be there**.

(Infinitive)

Mom **said to call Grandma tomorrow**.

(Infinitive)

The fish that **swam away from its school** got eaten by a shark.

(Participle)



## فهرست افعال بی قاعده

| Base Verb        | Past Simple | Past Participle | Base Verb      | Past Simple | Past Participle |
|------------------|-------------|-----------------|----------------|-------------|-----------------|
| <b>arise</b>     | arose       | arisen          | <b>drive</b>   | drove       | driven          |
| <b>be</b>        | was/were    | been            | <b>eat</b>     | ate         | eaten           |
| <b>beat</b>      | beat        | beaten          | <b>fall</b>    | fell        | fallen          |
| <b>become</b>    | became      | become          | <b>feed</b>    | fed         | fed             |
| <b>begin</b>     | began       | begun           | <b>feel</b>    | felt        | felt            |
| <b>bend</b>      | bent        | bent            | <b>fight</b>   | fought      | fought          |
| <b>bite</b>      | bit         | bitten          | <b>find</b>    | found       | found           |
| <b>bleed</b>     | bled        | bled            | <b>fly</b>     | flew        | flown           |
| <b>blow</b>      | blew        | blown           | <b>forbid</b>  | forbade     | forbidden       |
| <b>break</b>     | broke       | broken          | <b>forget</b>  | forgot      | forgotten       |
| <b>bring</b>     | brought     | brought         | <b>forgive</b> | forgave     | forgiven        |
| <b>broadcast</b> | broadcast   | broadcast       | <b>freeze</b>  | froze       | frozen          |
| <b>build</b>     | built       | built           | <b>get</b>     | got         | got             |
| <b>burn</b>      | burnt       | burnt           | <b>give</b>    | gave        | given           |
| <b>burst</b>     | burst       | burst           | <b>go</b>      | went        | gone            |
| <b>buy</b>       | bought      | bought          | <b>grow</b>    | grew        | grown           |
| <b>catch</b>     | caught      | caught          | <b>hang</b>    | hung        | hung            |
| <b>choose</b>    | chose       | chosen          | <b>have</b>    | had         | had             |
| <b>come</b>      | came        | come            | <b>hear</b>    | heard       | heard           |
| <b>cost</b>      | cost        | cost            | <b>hide</b>    | hid         | hidden          |
| <b>creep</b>     | crept       | crept           | <b>hit</b>     | hit         | hit             |
| <b>cut</b>       | cut         | cut             | <b>hold</b>    | held        | held            |
| <b>deal</b>      | dealt       | dealt           | <b>hurt</b>    | hurt        | hurt            |
| <b>dig</b>       | dug         | dug             | <b>keep</b>    | kept        | kept            |
| <b>do</b>        | did         | done            | <b>kneel</b>   | knelt       | knelt           |
| <b>draw</b>      | drew        | drawn           | <b>know</b>    | knew        | known           |
| <b>dream</b>     | dreamt      | dreamt          | <b>lay</b>     | laid        | laid            |
| <b>drink</b>     | drank       | drunk           | <b>lead</b>    | led         | led             |

## فهرست افعال بی قاعده

| Base Verb | Past Simple | Past Participle | Base Verb | Past Simple   | Past Participle |
|-----------|-------------|-----------------|-----------|---------------|-----------------|
| lean      | leant       | leant           | shrink    | shrank        | shrunk          |
| learn     | learnt      | learnt          | shut      | shut          | shut            |
| leave     | left        | left            | sing      | sang          | sung            |
| lend      | lent        | lent            | sink      | sank          | sunk            |
| let       | let         | let             | sit       | sat           | sat             |
| lie       | lay         | lain            | sleep     | slept         | slept           |
| light     | lit         | lit             | slide     | slid          | slid            |
| lose      | lost        | lost            | smell     | smelt         | smelt           |
| make      | made        | made            | sow       | sowed         | sown            |
| mean      | meant       | meant           | speak     | spoke         | spoken          |
| meet      | met         | met             | spell     | spelt/spelled | spelt/spelled   |
| pay       | paid        | paid            | spend     | spent         | spent           |
| put       | put         | put             | spill     | spilt         | spilt           |
| read      | read        | read            | spit      | spat          | spat            |
| ride      | rode        | ridden          | split     | split         | split           |
| ring      | rang        | rung            | spoil     | spoilt        | spoilt          |
| rise      | rose        | risen           | spread    | spread        | spread          |
| run       | ran         | run             | spring    | sprang        | sprung          |
| say       | said        | said            | stand     | stood         | stood           |
| see       | saw         | seen            | steal     | stole         | stolen          |
| sell      | sold        | sold            | stick     | stuck         | stuck           |
| send      | sent        | sent            | sting     | stung         | stung           |
| set       | set         | set             | strike    | struck        | struck          |
| sew       | sewed       | sewn            | swear     | swore         | sworn           |
| shake     | shook       | shaken          | sweep     | swept         | swept           |
| shine     | shone       | shone           | swell     | swelled       | swollen         |
| shoot     | shot        | shot            | swim      | swam          | swum            |
| show      | showed      | shown           | swing     | swung         | swung           |

## فهرست افعال بی قاعده

| Base Verb    | Past Simple | Past Participle | Base Verb         | Past Simple | Past Participle |
|--------------|-------------|-----------------|-------------------|-------------|-----------------|
| <b>take</b>  | took        | taken           | <b>understand</b> | understood  | understood      |
| <b>teach</b> | taught      | taught          | <b>wake</b>       | woke        | woken           |
| <b>tear</b>  | tore        | torn            | <b>wear</b>       | wore        | worn            |
| <b>tell</b>  | told        | told            | <b>weep</b>       | wept        | wept            |
| <b>think</b> | thought     | thought         | <b>win</b>        | won         | won             |
| <b>throw</b> | threw       | thrown          | <b>write</b>      | wrote       | written         |





## منابع و مراجع

- Michael McCarthy & Jeanne McCarten & Helen Sandiford, Touchstone SE, Cambridge University Press 2014
- Clive Oxenden & Christina Latham-Koenig & Paul Seligson, American English File, Oxford University Press 2008
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3rd Edition, Cambridge University Press 2010
- Alireza Motamed, PersianVi, TahlilGaran 2010
- Alireza Motamed, TDictionary, TahlilGaran 2022

## آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی

## تحلیلگران

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارت‌های زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه ، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی گروه آموزشی انتشارات  
[www.TahlilGaran.org](http://www.TahlilGaran.org)  
 تحلیلگران مراجعه نمایید: